



میز آینده‌پژوهی آموزش عالی

«پنل سی و پنجم»

آینده برنامه درسی در دانشگاه ایرانی
افق ۱۴۲۰-۱۴۰۰

شهریورماه ۱۴۰۰

اعضای پنل:

خانم دکتر نسرين نورشاهی (ریاست محترم موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، آقای دکتر رضا منبعی (معاون محترم پژوهشی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، آقای دکتر محمدرضا آهنچیان (مدیرکل محترم دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی)، آقای دکتر جعفر توفیقی (ریاست محترم پژوهشگاه نفت)، آقای دکتر امیر دانشگر (عضو هیات علمی دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف)، آقای دکتر مرتضی کرمی (عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، آقای دکتر سید سعید موسوی اصل (دبیر دفتر سیاستگذاری آموزشی و پژوهشی دانشگاه شیراز)، جناب آقای دکتر رحیم عبادی (رئیس محترم موسسه آموزش عالی مهر البرز)، آقای دکتر جمشید اسماعیلی (مدیرکل محترم نظارت بر طرح‌های عمرانی)، آقای دکتر کیومرث زرافشانی (عضو محترم هیئت علمی دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی)، جناب آقای دکتر غلامرضا شمس مورکانی (عضو محترم هیات علمیدانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی)، جناب آقای دکتر حسن طائی (عضو محترم هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی)، آقای دکتر کورش پزند (عضو محترم هیات علمی دانشکده علوم ریاضی دانشگاه شهید بهشتی)، آقای دکتر مصطفی منفرد (رئیس محترم گروه مدیریت سبز دفتر طرح‌های عمرانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، آقای دکتر رسول نصر اصفهانی (عضو محترم هیات علمی دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی اصفهان)، آقای دکتر حسینعلی جاهد (عضو شورای برنامه‌ریزی آموزشی و درسی)، اکرم قدیمی (رئیس محترم هیات مدیره انجمن ترویج علم ایران)، دکتر غلامرضا ذاکر صالحی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر سیده مریم حسینی لرگانی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر محمدجواد صالحی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر احمدرضا روشن (عضو هیات علمی گروه مدیریت آموزش عالی)، دکتر زهرا رشیدی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر مهتاب پورآتشی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر اصغر زمانی (عضو هیات علمی موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر شادی روحانی (عضو موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز آینده‌پژوهی آموزش عالی)، حامد کمالی (کارشناس موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، کارشناس میز آینده‌پژوهی: فاطمه مرادی نیاز
تحریر مباحثات: فاطمه مرادی نیاز

شماره گزارش:

**پنل سی و پنجم، شهریورماه
۱۴۰۰**

آینده برنامه درسی در دانشگاه

ایرانی: افق ۱۴۲۰-۱۴۰۰

دبیر علمی میز آینده‌پژوهی:

مقصود فراستخواه

همکار کارشناس: فاطمه مرادی نیاز

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان | |
|--------|-------------------|-------------|
| ۳ | نسرین نورشاهی | افتتاحیه |
| ۳ | مریم حسینی لرگانی | ارائه |
| ۲۶، ۱۰ | مقصود فراستخواه | طرح بحث میز |
| ۱۵ | سعید موسوی اصل | |
| ۱۶ | امیر دانشگر | |
| ۱۶ | حسینعلی جاهد | |
| ۱۸، ۱۷ | جعفر توفیقی | |
| ۲۶، ۱۸ | رضا منیعی | |
| ۱۸ | مرتضی کرمی | |
| ۲۰ | جمشید اسماعیلی | |
| ۲۱ | محمدرضا آهنچیان | |
| ۲۴ | کیومرث زرافشانی | |
| ۲۵ | احمدرضا روشن | |
| ۲۶ | زهرا رشیدی | |
| | | |

دکتر نسرين نورشاهی

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت میهمانان ارجمند و گرانقدر از همکاران خوبم در موسسه و اساتید ارجمندی که دعوت ما را پذیرفتند و به ما افتخار دادند. امروز با پنل سی و پنجم در خدمت شما هستیم. به هر حال در پنل‌های قبلی آینده آموزش ریاضی، آینده آموزش فنی و حرفه‌ای، آینده یاددهی و یادگیری را به بحث گذاشتیم. آینده برنامه درسی مطمئناً پلتفرم و زمینه اساسی و مورد نیاز همه آن موضوعات و محورهایی است که در پنل‌های قبلی به بحث گذاشته شده است و مطمئناً این پلتفرم و این زمینه و بستری که



در واقع بقیه تلاش‌ها در آموزش عالی می‌توان گفت که بر روی آن سوار می‌شود و این برنامه درسی نقش محوری در آموزش عالی و هر نوع آموزشی دارد. به هر حال آینده آن بسیار بسیار مهم و حساس و تعیین کننده می‌باشد. به خصوص که با توجه به اتفاقات و پیشرفت‌هایی که در تکنولوژی به وقوع پیوسته و همه ما شاهد آن هستیم مانند برنامه‌های درسی مشترک، برنامه‌های درسی مبتنی بر تکنولوژی بلک‌چین انواع و اقسام تکنولوژی‌ها دارد به منصفه ظهور می‌رسد که ما نمی‌توانیم نسبت به این‌ها بی‌تفاوت باشیم و منتظر بمانیم که آینده بر ما غالب شود.

به هر حال بایستی پیش‌دستی کنیم و بایستی شناسایی و آینده‌نگری کنیم و آماده باشیم و حتی به قول آقای دکتر فراستخواه این آینده را بسازیم. ما

باید آینده برنامه درسی در دانشگاه‌های ایرانی را بسازیم و نباید منتظر باشیم که بر سر ما آوار شود. خوشبختانه متخصصان بسیار خوب، دلسوز و دانشمندی در این عرصه داریم و من خودم شاهد این امر هستم. خانم دکتر حسینی در موسسه خود ما یکی از دلسوختگان حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌باشد و ایشان به طور مرتب دغدغه این را دارند که برنامه درسی در جایگاه درست خودش قرار بگیرد و به شکل صحیح به آن پرداخته شود. اهمیت این حوزه تخصصی بر همگان و بر همه برنامه‌ریزان و بر همه سیاستگذاران آشکار شود چرا که متأسفانه در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی همیشه این دغدغه را داشته‌ام که معمولاً در آموزش عالی و در دانشگاه‌ها متأسفانه این حوزه تخصصی به معنای واقعی تخصصی کلمه به آن نگاه نشده و در تدوین و طراحی برنامه‌های درسی خیلی کم از متخصصان این حوزه به شکل دقیق و درست در جایگاه استفاده شده است. اگرچه اخیراً حرکت‌هایی در آموزش عالی و در ستاد وزارت اتفاق افتاد به خصوص با حضور آقای دکتر آهنچیان که من شاهد بودم که تلاش می‌شد این حوزه تخصصی هر چه بیشتر شناسایی شود و بیشتر به عنوان یک محور مهم با استفاده از متخصصان این حوزه به کار گرفته شود. کما اینکه چند پروژه به موسسه سفارش داده شد و قرار شد که از دانش انباشت در موسسه بهره گرفته شود تا ما بتوانیم در دانشگاه‌ها این فرایند را به صورت هرچه تخصصی‌تر و هرچه حرفه‌ای‌تر و هرچه دانشی‌تر انجام دهیم. سپاسگزارم.

دکتر سیده مریم حسینی لرگانی: ارائه

سلام و عرض ادب خدمت میهمانان ارجمند. پنل سی و پنجم ما در مورد «آینده برنامه درسی در دانشگاه ایرانی و افق ۱۴۰۰ تا ۱۴۲۰» است. چیزی که در حال حاضر ما با آن روبرو هستیم این است که دانشگاه‌های آینده دچار تحولی شده‌اند که این تحول خیلی غیرقابل پیش‌بینی نبود. اما خیلی زودتر از آنچه که انتظار می‌رفت این تحول رخ داد. دوران طلایی دانشگاه‌ها در کشورهای جهان در حال گذار می‌باشد و امروز دانشگاه‌ها به شدت تحت تاثیر تحولات نوین قرار گرفته‌اند. از جمله این تحولات می‌توان به تغییرات روز افزون در حوزه فناوری‌های پیشرفته، ظهور و ورود فضای مجازی به عنوان رقیب جدید، جمعیت در حال تحول و افزایش انتظارات برای ارائه

خدمات نوین و تخصصی تر و بحث شهریه و سپس چالش مزمن بودجه‌ای در آموزش عالی که به شدت مسئله روز دانشگاه‌ها در دنیا است؛ اشاره داشت. بنابراین چیزی که ما با آن مواجه هستیم تحولاتی است که در دانشگاه‌ها در حال رخ دادن می‌باشد. اولین پنل میز آینده پژوهی ما در مرداد ماه ۱۳۹۳ راه‌اندازی شد از آن زمان به بعد پنل‌های پنجم، هجدهم، بیستم، بیست و نهم، سی‌ام، سی و یکم و سی و سوم به فرایندهای یاددهی و یادگیری و اینکه کلاس درس آینده به چه صورت خواهد بود و برنامه‌های راهبردی دانشگاه یادگیری الکترونیکی و به موضوعاتی مانند اینها پرداختند.



دانشگاه آینده دچار تحول است و این تحول غیر قابل پیش‌بینی نبود اما خیلی زود اتفاق افتاد و پاندمی که در آخرین روزهای ۲۰۱۹ ایجاد شد و از آن به عنوان کووید ۱۹ یاد می‌شود تمام ابعاد زندگی بشر به ویژه نظام آموزشی فرایند یاددهی و یادگیری را دچار تغییر و تحول کرد. تحولاتی که در دانشگاه آینده پیرامون آن و با آن مواجه هستیم بر روی سه مولفه‌ی مهم رقابت، نوآوری و بقا متمرکز است. بنابراین دانشگاه‌های آینده در یک جهان و فضای فوق رقابتی به سر می‌برند. پس همه‌گیری بیماری کووید ۱۹ واکنش‌هایی را در قالب ایجاد دوره‌های آنلاین با فناوری‌هایی که پیشتر از آن برای استادان دانشگاه یا معلمان مدرسه نامانوس بوده اتخاذ و تصویر کرد و سعی می‌کردند با آموزش از راه دور و برآوردن موفقیت‌آمیز نیازهای آموزشی دانشجویان و دانش‌آموزان تا حدودی بتوانند آن نیازها را برآورده کنند و توانستند تجربه‌های با ارزشی را هم کسب کنند اما اکنون در حال آماده شدن و ورود به مرحله بعدی آموزش در جهان پساکروناپی هستیم.

گویا جامعه ایران نمی‌خواهد وارد دوران پساکرونا شود و موج‌های کرونا یکی پس از دیگری در حال آمدن و رفتن است. در حالی که بسیاری از کشورها در جهان پساکروناپی قرار گرفته‌اند و سعی می‌کنند تجربیاتی را که کسب کرده‌اند چنانچه مجدداً در شرایطی مشابه مواجه شدند، بحران‌های بعدی را بتوانند پیش‌بینی کنند و کیفیت چگونگی مهیا شدن برای آن را داشته باشند. کشورهایی مانند کشورهای آفریقای که ایبولا^۱ را پشت سر گذاشتند و یا کشورهای آسیای دور که همه‌گیری ویروس‌های سارس^۲ و مرس^۳ را پشت سر

¹ Ebola

² Sars

³ Mers

گذاشتند و خیلی قبل تر از این بیماری های ویروسی، بیماری همه گیر آنفلانزای اسپانیایی که ۱۰۰ سال پیش به وجود آمد و شاید همه ی کسانی که در این جلسه هستیم به یاد نیاوریم که چه به سر مردم آمد و آموزش آن دوران دچار چه آسیب هایی شد و مردم چه سرنوشتی پیدا کردند. حداقل اکنون اگر سارس و مرس و ایبولا را سرچ کنیم، می توانیم تلفات و اتفاقاتی که در آن جا افتاد و درس ها و تجربیاتی را که سایر کشورها داشتند، از آنها استفاده کنیم. در هر صورت کووید ۱۹ جامعه ی ایرانی و دانشگاه ایرانی و به نوعی نظام آموزشی ما را دچار یک بحران کرد. به زعم من گاهی اوقات باید یک بحران روی دهد و ضرورت این قبیل بحران ها است که ما را به فکر کردن عمیق راجع به موضوع و بحران وا می دارد، اینکه به موضوع بحران زا بپردازیم و اهمیت بدهیم. حدوداً چندین دهه است که یادگیری الکترونیکی در دنیا مطرح است و حدوداً سه دهه است که در ایران مطرح شده خیلی به آن پرداخته نشده و من فکر می کنم بروز بحران کووید ۱۹ ضرورت پرداختن به یادگیری الکترونیکی و اینکه زیرساخت هایمان را شناسایی و تقویت کنیم و شایستگی های حرفه ای استادان برای آموزش در دوره آنلاین را بیشتر و بهتر ارزیابی کنیم؛ اهمیت دو جندان یافته است. پس یک بحران می تواند یک نهاد را از حالت بی حالی و سستی خارج کند و حتی ذهنیت های موجود و متصلب را تغییر دهد و آن ها را وادار به تحولات معنادارتری کند. چون آنچه که مهم است کیفیت یادگیری و آموزش فردی دانشجویان و کلید موفقیت دانشگاه های آینده ما بحث کیفیت یادگیری است. یکی از مهمترین این تحولات آنلاین شدن و مجازی شدن فرآیند آموزشی است که پنل هجدهم کاملاً به این موضوع پرداخته است. این تغییر و تحول فقط مربوط به برنامه درسی و فرایند یاددهی و یادگیری و چگونگی حمایت از دانشجویان و پژوهش های دانشگاهی نیست. به نظر من تمام ابعاد و جوانب را از جمله بروکراسی های اداری و سازمانی، الگوهای فعالیت دانشگاهی، حوزه فناوری و اساساً مجموع توانایی ها و ظرفیت های موجود در دانشگاه را تحت تأثیر قرار داده است.

استراتژی یادگیری فعالانه با یک ترکیب قدرتمند تجربه و عمل، چیزی که اونیل^۴ در کتاب از تجربه تا عمل تدوین و طراحی برنامه درسی دانشگاهی به جد روی آن تاکید داشته است و باعث بروز کنجکاوی و تمرکز دانشجویان می شود. بنابراین برنامه های درسی باید با اتخاذ یادگیری از طریق انجام^۵ بر اساس مشکلات و چالش های دنیای واقعی مسیر یادگیری را تقویت کند. بنابراین آینده آموزش عالی و برنامه درسی در واقع ترکیبی از برنامه های حضوری، مکان محور و انعطاف پذیر و به علاوه مجازی خواهد بود. یادگیری تلفیقی^۶ مفهومی است که سال ها قبل مطرح شد بنابراین ما در دوران پساکرونایی دیگر صرفاً آموزش سنتی نخواهیم داشت. چون نمی دانیم در آینده و در هزاره سوم که از آن به عنوان هزاره پیچیدگی ها و آشوب یاد می کنند، به چه مشکلات دیگری روبه رو خواهیم شد. بنابراین یادگیری تلفیقی می تواند به عنوان یک راهکار مطرح شود و در این الگو دانشجویان هم در دانشگاه حضور دارند و هم می توانند در کلاس های مجازی شرکت کنند.

مفهومی که این روزها خیلی مورد توجه قرار می گیرد بحث نتایج یادگیری^۷ دانش آموزان می باشد. اگر آموزش ضعیف باشد ما نمی توانیم با پیشرفت تکنولوژی و فن آوری آن را بهبود ببخشیم. یعنی آموزش که به دو کنشگر استاد و دانشجو، معلم و دانش آموز مربوط می شود و ما باید کنشگرانمان را تقویت کنیم. در واقع آموزش باید قوی شود و فناوری وسیله ای است برای گذر از این بحران. بنابراین موسسات آموزش عالی باید با بروزرسانی برنامه های درسی و تکنولوژی به دنبال بهبود و تقویت نتایج یادگیری دانشجویان خودشان باشند. در متونی که مطالعه می کردم خیلی به برنامه درسی با رویکرد فرارشته ای برخورد کردم. به نظر من برنامه درسی آینده باید یک رویکرد

⁴ O'Neill

⁵ Learning To Do

⁶ Blended learning

⁷ learning outcome

فرارشته‌ای داشته باشد. ما قبلاً با مفاهیم بین رشته‌ای^۸ و چند رشته‌ای^۹ آشنا بودیم ولی این بار واژه‌ای به نام فرارشته‌ای^{۱۰} هم مطرح شده است. رویکردی برای تلفیق برنامه درسی که مرزهای بین رشته‌های متداول را از بین می‌برد و آموزش یادگیری را در مورد ساخت معنا در زمینه مشکلات موضوعات دنیای واقعی سازماندهی می‌کند. یعنی دیگر آنچه که یک رشته تخصصی در گذشته بوده لزوماً در حال حاضر و آینده نمی‌تواند باشد. بنابراین نتایج یادگیری و فرارشته‌ای شدن یک مفهوم بسیار کلیدی است.



یکی از تحولات بسیار کلیدی در آینده آموزش عالی برنامه درسی پیرامون ماهیت دانش و رشته‌های تحصیلی است. اینکه چه دانشی باید به دانشجو منتقل شود. به دلیل رشد روزافزون تکنولوژی، فناوری‌های جدید، تشدید تعاملات و ارتباطات و به هم پیوستگی جوامع و افراد ما شاهد تغییراتی در ماهیت و ساختارها

از جمله در آموزش عالی و دانشگاه‌ها هستیم و به دنبال این تغییرات، ماهیت برنامه درسی و نتایج یادگیری نیز مسلماً دچار تحول و دگرگونی خواهند شد که یکی از تحولات کلیدی در این حوزه است. بنابراین آموزش‌های آینده‌نگر برای موفقیت نیاز به فرارشته‌ای شدن دارند و این امر هم باید در تحول در پیش و مطالعات اجتماعی و فرهنگی اقتصادی و روانشناسی و تفکر طراحی برنامه‌های درسی، مطالعات محیطی، هوش مصنوعی و زمینه‌های دیگر برای ایجاد دنیای متفاوت و بهتر برای همگان روی دهد. ما چه روندها و جریان‌هایی داریم؟ و جریان‌های بازدارنده ما چه هستند. دوازده مهارت برای انسان قرن بیست و یک در نظر گرفته شده است از جمله تفکر انتقادی، تفکر خلاق، رویکرد حل مسئله و غیره. این حقیقتی انکار نشدنی است که آموزش‌ها و یادگیری‌های در نظام آموزشی به ویژه آموزش عالی، ما را به سمت ترویج تفکر انتقادی^{۱۱} و تفکر خلاق^{۱۲} نمی‌برد و ما باید تفکر خلاق را به واقع داشته باشیم. ما در زمینه تقویت مهارت‌های اجتماعی و بین فردی خلأ جدی داریم. کارهای تیمی نداریم یا ضعیف است و هر کسی عملاً جزیره‌ای کار می‌کنند. ناتوانی و ناکارآمدی در کاربرد دانش در یک محیط پیچیده، کم‌رنگ بودن سویه‌های هنجاری و ارزش‌محور در برنامه‌های درسی و چالش‌هایی که پیش روی ما در تدوین برنامه درسی آینده وجود دارد. برای مواجهه با این چالش‌ها لازم است که طراحی و نوآوری یک اکوسیستم آموزشی مبتنی بر الزامات و نیازهای قرن بیست و یکم داشته باشیم.

اگر ما بیاییم مهارت‌ها را به فردی، اجتماعی و یادگیری تقسیم کنیم؛ در آنجا مهارت‌های فردی ما باید بیشتر و سخت‌کوشانه‌تر و در بردارنده مولفه‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، خلاقیت، خطرپذیری، مهارت‌های اجتماعی، همدلی، شفقت، کار گروهی، مهارت‌های یادگیری و مهارت‌های فراشناختی باشد و بتواند خودکارآمدی^{۱۳} فرد را افزایش دهد.

⁸ interdisciplinary

⁹ multidisciplinary

¹⁰ transdisciplinary

¹¹ critical thinking

¹² creative thinking

¹³ self-efficacy

کاهش هزینه‌ها بدون کاهش در کیفیت آموزش عالی؛ در حال حاضر از نظر من کیفیت نظام آموزشی به ویژه آموزش عالی ما در خطر است. ما واقعاً باید به بحث کیفیت پردازیم. افزایش تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری در دانشجو؛ از نظر من تاب‌آوری^{۱۴} دانشجویان و فراگیران ما پایین است. طراحی و تدوین درس‌ها و دوره‌های آموزشی مبتنی و سازگار با فناوری و تکنولوژی‌های روز؛ ارتباط بسیار کمی میان محتوای برنامه‌های درسی و نیازهای روز دانشجو اعم از نیازهای بازار کار و خود جامعه وجود دارد. از جمله چالش‌های پیش رو در تدوین برنامه‌های درسی مفهومی است، با عنوان مقاومت نسبت به یادگیری^{۱۵}. در اینجا ما دو نوع رویکرد داریم یکی درک روانشناختی است و دیگری درک جامعه‌شناختی و سیاسی می‌باشد. درک روانشناختی این است که: این مفهوم به شرایطی اشاره دارد که در آن یک یا چند فرد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، آگاهانه یا ناآگاهانه مشارکت و امکان یادگیری را رد می‌کنند. شاید نوعی کاهش اعتماد به آموزش را در این رویکرد روانشناختی بتوان دید. درک جامعه‌شناختی و سیاسی از مفهوم مقاومت در یادگیری وجود دارد که از آن به عنوان بخشی از مخالفت عمومی با شرایط اجتماعی موجود از سوی جمعیت‌ها، اقشار و یا طبقات تحت ستم و تبعیض بروز می‌کند. در طبقات تحت ستم و تبعیض ما می‌توانیم یک نوع مبارزه منفی ببینیم و در مخالفت‌های عمومی چیزی که شما دارید می‌بینید. واقعاً چرا ما داریم پیک پنجم کرونا را از سر می‌گذرانیم. اما مردم باور ندارند و نمی‌خواهند یاد بگیرند (بحث مسافرت‌های غیر ضروری، نزدن ماسک و برپایی مراسم عزاداری و جشن‌ها)، رویکرد و درک جامعه‌شناختی و سیاسی برای مخالفت با این قضیه بسیار حائز اهمیت است.



تدوین برنامه درسی در دانشگاه ایرانی، من یکسری از آیتم‌ها را مد نظر قرار داده‌ام از جمله: **مسئولیت‌پذیری مشارکتی اجتماعی**^{۱۶} چون بحث ما دانشگاه است پس مسئولیت‌پذیری دانشگاهی یک مسئله بسیار کلیدی است. این واژه نباید فقط در حرف باشد. اگر چنانچه طبق پژوهشی که آقای دکتر فراستخواه داشته‌اند و مشخص شد که اعتماد به

¹⁴ resilience

¹⁵ resistance to learning.

¹⁶ Corporate Social Responsibility

دانشگاهیان وجود دارد، بنابراین ما دانشگاهیان باید مسئولیت‌پذیرتر باشیم تا بتوانیم به عنوان یک الگو سایر افراد را هم به سمت مسئولیت‌پذیری بیشتر سوق دهیم.

تخصص‌گرایی در اعطای مدارک دانشگاهی؛ لزومی ندارد که برای گرفتن یک تخصص و یک مدرک، فرد انواع و اقسام واحدهای مختلف را که یا به آنها باور ندارد و یا ضرورت آنها را احساس نمی‌کند در قالب واحدهای عمومی، اختیاری، تخصصی، الزامی یا پایه بگذراند.

برنامه درسی دوستدار محیط زیست؛ زمان آن رسیده که باور داشته باشیم که انسان هم به عنوان عامل و مخرب این زیست بوم و هم به عنوان قربانی آشناساخته شده است. بنابراین ضرورت دارد که برنامه‌های درسی ما دوستدار محیط زیست باشند و میل به پایداری پیدا کنند. این پایداری حاصل نخواهد شد مگر اینکه ما بخواهیم دغدغه‌هایی داشته باشیم که بتوانیم معضلات زیست محیطی را که اکنون جزء دغدغه‌های سازمان‌های بین‌المللی هستند را می‌توانیم به سمت پایداری پیش ببریم و بشر را که عامل این تخریب بوده و طبیعت نیز که هر روز در حال عصیان و تقابل با این بی‌خردی بشر می‌باشد، را نجات دهیم.

تدوین دوره‌های کوتاه مدت، بین رشته‌ای بودن، خلاقیت و آموزش ترکیبی، محوریت تجربه و تفکر. وزارت علوم باید درس‌ها را به سمت گرایش به یادگیری برای انجام، کاربرد، عملی و فاصله گرفتن از حوزه نظری پیش ببرد. تقویت کار گروهی، ترکیب نظریه و عمل، تقویت نتایج یادگیری و در نهایت یادگیری مادام‌العمر بسیار کلیدی و اثرگذار هستند. مفهوم یادگیری مادام‌العمر به حدی ارزشمند است که الان همه افراد به این نتیجه رسیده‌اند. این مفهوم همچنین در آموزه‌های دینی و ادبیات ما مطرح بوده است "ز گهواره تا گور دانش بجوی". بنابراین من به ترسیم یک برنامه درسی مدون و منطبق با نیازهای روز جامعه و فاصله گرفتن از چیزهایی که دانش‌آموز و دانشجوی امروز با آن سر و کاری ندارد و جزء ضرورت‌هایشان محسوب نمی‌شود، باور دارم. نیاز داریم که برخی از محتواها را کنار بگذاریم و با نیازهای روز جامعه و دانشجویان هماهنگ شویم و قبل از هر چیزی باید یک برنامه راهبردی و منسجم داشت تا بتوانیم در چارچوب آن در مسیر اصلاح برنامه‌های درسی گذشته و طراحی برنامه‌های جدید پیش رفت.

در نتیجه رویکرد من در اجزای راهبردی تدوین برنامه درسی در دانشگاه ایرانی تحولی و اصلاحی است. ابتدا اصلاح و اگر نشد تغییر و تحول، به شکل بررسی و بازنگری برنامه‌های موجود و ترسیم اهداف و چشم‌اندازها؛ یعنی ما فقط محتوا را بازنگری نکنیم، بلکه چشم‌اندازها، اهداف و مأموریت‌ها، روش‌ها و حتی به فرمایش آقای دکتر توفیقی، استاد باید خیلی فراتر از آنچه که دانشجو می‌خواند، مطالعه کند و به روز باشد. بنابراین اصلاح تمام لایه‌ها اعم از محتوا، اهداف، چشم‌اندازها، فرآیندهای یاددهی و یادگیری و خود استاد و سپس به کنشگری که قرار است یادگیری در ارتباط با او انجام گیرد یعنی دانشجو به چه توانایی‌ها و مهارت‌های محوری باید دست یابد که بحث ما شایستگی‌های آنلاین و حرفه‌ای استادان و دانشجویان در حال حاضر مطرح است.



اتخاذ یک الگوی ثانویه مبتنی بر اهداف و سپس نقش بنیادین فناوری در برنامه درسی. با توجه به اینکه ما نمی‌دانیم در چند سال آینده با چه بحرانی روبرو خواهیم شد. من دانشگاه ایرانی را در یک سپهری می‌بینم که جامعه بستر آن است که در آن به نقل از دلورس ۱۹۹۶ انواع روش‌های یادگیری برای دانستن، یادگیری برای عمل، یادگیری برای زیستن، یادگیری برای زندگی کردن با دیگران مطرح است؛ و اخیراً شفر مولفه دیگری را به چهار نوع یادگیری فوق‌الذکر با عنوان "یادگیری برای تغییر و تحول در خود و جامعه" اضافه کرد، برای این که برنامه درسی ما بتواند میل به پایداری داشته باشد ما باید اینها را مد نظر قرار دهیم. سپاسگزارم.

دکتر مقصود فراستخواه: طرح بحث پنل

از همکار خوبم ودوست دیرینم خانم دکتر حسینی عزیز وبحث باارزش شان ممنون. اکنون ما در این پنل به طور خاص می‌خواهیم از یک چارچوب استفاده کنیم. یک نگاه به آینده و شرایط اجتماعی و دانشگاهی و آموزشی می‌تواند از منظر تحولات نسلی باشد. یعنی



اگر ما تحولات نسلی جامعه خود را بفهمیم بهتر می‌توانیم به آینده نگاه کنیم و بهتر می‌توانیم با این آینده تعامل کنیم. پرسش ما این است که نسل‌هایی که قرار است در برنامه درسی آینده دانشگاه درگیر شوند مانند استاد، دانشجو، مجری، مدیر، مخاطب، متقاضی یا ذینفع، و انواع و اقسام گروه‌ها درگیر برنامه درسی دانشگاه خواهند شد و انتظار می‌رود که در سال‌های پیش رو این نسل‌های نوظهور و این نسل‌های جدید چه نوع صفات و خصیصه‌هایی داشته باشند. ما اگر بتوانیم در این پنل یک مقدار درباره تحولات نسلی جامعه ایران که مخاطبان، متقاضیان، مجریان یا ذینفعان برنامه درسی آتی هستند، تأملی بکنیم و سوال ما این است که مردم آتی برنامه درسی به احتمال قوی واجد چه نوع خصوصیت‌هایی خواهند بود. من ده مورد خصیصه نسلی را فقط برای یادآوری عرض می‌کنم:

نگاه به آینده شرایط اجتماعی و دانشگاهی و آموزشی از منظر تحولات نسلی

- پرسش: نسل‌هایی که قرار است در برنامه درسی درگیر شوند به صورت استاد یا دانشجو، به شکل مجری و مدیر یا مخاطب، به صورت متقاضی، ذی نفع و مانند اینها
- احتمال می‌رود در سال‌های پیش رو بیشتر چه نوع صفات و خصیصه‌هایی داشته باشند
- مردم آتی برنامه درسی، به احتمال قوی واجد چه نوع خصوصیت‌هایی خواهد بود

ده خصیصه در نسل‌های پیش روی برنامه درسی دانشگاهی

فراستخواه، شهرپور ۱۴۰۰، پنل ۳۵، میز آینده پژوهی

(۱) نسل عملگرا:

ما شاهد یک نسل عملگرا هستیم که روز به روز بیشتر می‌شود. پرسش آنها از برنامه درسی این است که کجا و به چه درد من می‌خورد؟ و این پرسش نسل نوظهور آتی از دانشگاه می‌باشد. که یک نسل یادگیری مسئله‌گرا^{۱۷} و موردگرا^{۱۸} خواهد بود. نسلی خواهد بود که ابعاد مهارتی برنامه درسی برایش مهم است، یعنی ارزش‌های ذاتی و نظری علم تحت‌الشعاع ارزش‌های دستاوردی و ارزش‌های عملی علم قرار می‌گیرد و ارزش‌های کاربردی اهمیت بیش از پیش پیدا می‌کند.

(۲) نسل مطالبه‌گر و حسابگر:

¹⁷ problem based learning

¹⁸ case based learning

ما نسلی را داریم و خواهیم داشت و روز به روز تعدادشان بیشتر می‌شوند که نسل مطالبه‌گر و حسابگر هستند؛ یعنی شعار این نسل جدید، «حق به یادگیری در سطح عالی» است. پرسش نسل این است که حق من در برنامه درسی چه شد؟ و کیفیت این برنامه درسی که شما به من می‌دهید چقدر است؟ و چقدر با نیازهای روز من تناسب دارد؟ چقدر از من شهریه می‌گیرید و چرا از من شهریه می‌گیرید؟ و در ازای این شهریه چه چیزی به من می‌دهید؟ چقدر از من هزینه فرصت‌های عمرم را و هزینه‌های مختلف را می‌گیرید و در مقابل این هزینه‌ها چه چیزی به من می‌دهید؟ ارزش‌های مبادله‌ای نسل‌های پیش رو اهمیت پیدا خواهد کرد. یعنی نسل جدید بیشتر روی عدالت و فرصت‌های برابر متمرکز خواهد بود. پس این نسل یک نسل واجد و خواهان صدا خواهد بود و اصرار دارد صدای بیشتری داشته باشد و شنیده بشود؛ نسلی اینجا و آنجا حاضر و نق زنده و گله‌کننده و پرتوقع.

۳) نسل پرتحرک و پایه‌گریز:

تحرک^{۱۹} در نسل‌های جدید بیشتر از نسل‌های گذشته خواهد بود. یک نسل پرتحرک که شعارشان این است که جاهای دیگر بهتر از شما درس می‌دهند. این نسل مقایسه می‌کند و برنامه‌های درسی ما و اجرای آن را با نتایج آن را با ترازهای منطقه‌ای و ترازهای بین‌المللی مورد سنجش قرار می‌دهد. برای همین است که تمایل مهاجرتی نسل‌های برنامه درسی در ایران سال به سال بالا می‌رود. تمایل مهاجرتی بالای نسل قابل درک است، الان به ۴۰-۵۰ درصد رسیده است. این نسل، ترازهای دیگر برنامه درسی را اینجا و آنجا می‌بیند و از آنچه ما می‌دهیم زود قطع علاقه می‌کند یکی دو روز پیش پای بحث دکتر صادقی جمعیت شناس بودیم از دره شهر ایلام می‌گفتند شهرستانی با بیست و چند هزار نفر که ۱۱۵ تن از پسران این روستا در خارج اند.

۴) نسل بازخیزهای هویتی:

در سال‌های گذشته دانشجویان ما بیشتر از اینکه پسر یا دختر باشند دانشجوی بودند بیشتر از اینکه گُرد، ترک، سنی یا شیعه باشند دانشجوی بودند، اما امروز روز به روز شاهد این هستیم که دانشجوی بیشتر از اینکه بگویند من دانشجوی هستم می‌خواهد مثلاً بگویند من دخترم، گُردم، ترکم، سنی‌ام، شیعه‌ام و دیگر آرا و عقاید. هویت در همه جای دنیا در زندگی دانشجویی اهمیت پیدا کرده است مانند هویت‌های جنسیتی و حتی هویت‌های تراجنسیتی، قومی، زبانی، مذهبی. البته توجه داشته باشید که در این تحولات همه «مردم برنامه درسی دانشگاه» تغییرات مهمی پیدا می‌کنند فقط دانشجویان مد نظر ما نیست. نسل کارفرمایان، نسل کسب و کارها، نسل مدیران، حتی نسل سیاستگذاران و حتی نسل استادان عوض شده است. به هر حال نسل تحول پیدا می‌کند و ما برای اینکه به آینده عبور کنیم و از آینده خود محافظت کنیم باید تحولات نسلی و بین نسلی جامعه خود را بشناسیم تا در دانشگاه و برنامه درسی دچار شکاف نسلی و تعارض نسلی، فاصله نسلی و بیگانگی نسلی نشویم. چند سال پیش در همین مؤسسه طرحی انجام دادم و تحولات نسلی استادان را بررسی کردیم شاید به امید حق از خلاصه گزارشی از آن تحقیق، کتابی منتشر بشود واقعا چه تغییرات نسلی مهمی در جریان است.

۵) نسل نگران خسته و کم حوصله:

¹⁹ Mobility

روز به روز حرف نسل جدید در کلاس این می‌شود که نکته اصلی و حرف حساب چیست؟ مردم دیگر خیلی حوصله نظریه‌پردازی‌های انتزاعی را ندارند و اگر هم دنبال نظریه هستند بیشتر به دنبال مطلب اصلی و جان کلام هستند. اینها دیگر از حرفها و تبلیغات خسته شده‌اند و زبان حال شان با حکمرانان را می‌شود به زبان حافظ چنین گفت: مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد

۶) نسل افقی و نامتقارن و تراسه ای:

ایماژها روز به روز افقی‌تر می‌شود. در گذشته استاد و دانشجو یک ایماژ عمودی داشتند اما اکنون مدیر، معلم و سیاست‌گذار در آن جایگاه بالا قرار ندارند، نگاه‌ها افقی شده‌اند و استاد - شاگردی مانند سنت‌های قبلی دانشگاه‌ها برجا نمانده است. قبلا استادان برجسته، کتاب‌های برجسته، مقالات برجسته و سخنان مهم و محضرهای درسی بوداما الان زبان حال خیلی‌ها این شده، شما کتاب تألیف کردید، خوب، من هم کتاب دارم! شما این درس را می‌دهید من هم می‌دهم... خوب می‌شمارند مرتبه می‌دهند؛ چه فرق می‌کند: تعدادی همه دانشیار، تعدادی همه استاد. حتی یک رشته نیز به طور عمودی در رأس نیست بلکه افقی‌تر شده‌ها در فضای میان رشته‌ای و تراسه‌ای ...

۷) نسل باخبر و نسل برخط:

برنامه درسی آینده دانشگاه باید بر قامت نسلی تدارک دیده شود که در بند زمان و مکان نیست و ما با یک نسل فراانسانی^{۲۰} رو به روییم که در پنل قبل (پنل ۳۴) توضیح دادم^{۲۱}. نسل‌های روز به روز دیجیتالی، رباتیزه، دیگر خیلی تخته بند مکان برنامه درسی نیست. اخیرا دختران رباتیک افغانستانی در مکزیک ماندند. سایبورگ^{۲۲} برنامه درسی که تراشه‌ها تا درون اعماق مغز آنها ایمپلنت می‌شود؛ نانورباتها در کلاس‌ها اثر گذار می‌شوند. نسلی مرتبط با دنیا وجهانی شده که در کلاس‌های ما پی جوی استادان خارجی در کنار استادان داخلی و پیجوی دانشجویان خارجی در کنار خودشان می‌شوند. باید برای این تحولات، گروه‌ها، تعاملات و دگرگونی‌های نسلی آمادگی داشته باشیم.

۸) نسل مخاطبان متفاوت با انتظارات کثیر:

استخدام کننده می‌گوید من دانش آموخته با مهارتهای پیشرفته سطح بالا و شایستگی‌های چندگانه و قابلیت‌های نرم می‌خواهم. در جهان کسب و کار، دوره عمر مشاغل کوتاه می‌شود، شغل‌های تازه وبی سابقه ای روز به روز به وجود می‌آید و قابلیت‌های دانشی و مهارتی متفاوت جدید لازم دارد. جامعه می‌گوید من شهروند خوب می‌خواهم، من پایداری زیستبومی می‌خواهم، مگر متخصصان برآمده از برنامه‌های درسی نبودند که این اقلیم را برهم زدند، این تکنولوژی مخرب از کجا درآمد؟ مثلا ساختن بتن را برنامه درسی یاد داده و این همه آب مجازی در آنها هست همینطور بقیه موارد. از برنامه‌های درسی می‌خواهند پاسخگویی داشته باشد. کسب و کار می‌گوید من نیروی انسانی کارآمد می‌خواهم. خیلی برنامه درسی بیرون دانشگاه وهمزمان با دانشگاه تعریف و اجرا می‌شود(در بنگاه‌ها و در شبکه‌های اجتماعی). نمایندگان

²⁰ transhuman

^{۲۱} پنل ۳۴ میر آینده پژوهی آموزش عالی: آینده زندگی دانشگاه ایرانی در دنیای برخط و دیجیتال: با تاکید بر کیفیت درون‌دادها، فرایندها و نتایج. (برای گزارش کامل آن به در سایت میر آینده پژوهی رجوع شود)

²² Cyborg

شهر (منظورم نماینده به معنای واقعی است) و شهروندان می گویند برای مسائل ما راه حل بدهید، برای تغییرات اقلیمی، برای تحولات زیستبوم، برای بی آبی، برای مصون ماندن از تأثیرات مخرب، و... اصلاً جامعه محلی منتظر نمی نشیند که دانشجو برنامه های درسی یکجانبه را تمام بکند و دانش آموخته شود بلکه می خواهد در تعریف و اجرای برنامه های درسی مشارکت داشته باشد در کلاس باشد و مورد های خاص خود را ببرد در کلاس همراه استاد مطرح کند.

خانواده ها برای کیفیت زندگی شان از دانشگاه برنامه های درسی آزاد و غیر رسمی می خواهند برای تربیت فرزندان، برای ایمنی، برای کارافرینی، برای حل مسأله، برای سلامت، برای تاب آوری و... ذی نفعان بیرونی مختلفی هم گوشه های شان را به برنامه درسی خوابانده اند برنامه درسی آینده فقط یک مخاطب ندارد. در گذشته استاد مخاطبی پای درسش در محصوره کلاس داشت به نام دانشجو و یک ترم با او برج عاج دانشگاه درس می داد و بعد تمام می شد. اما اکنون نه تنها دانشجویان به شرحی که قبلاً گفتیم متنوع شده اند، ذینفعان بیرونی مختلفی نیز غیر از دانشجو وجود دارند که به دنبال آن هستند ببینند در برنامه های درسی شما چه چیزی وجود دارد و از ته و توی برنامه درسی شما برای شان چه در می آید و چه چیزی عاید آنها می شود. مالیات دهنده کنجکاو است، سیاستگذار کنجکاو است، شرکتها، نهادهای اقتصادی، شهری، نهادهای مدنی، محله، ان جی او، صنوف و حرفه ها همگی کنجکاو هستند و این کار برنامه درسی آینده دانشگاه را امری بغایت پیچیده می کند و دیگر کمیته ای در آن بالای نظام متمرکز پایتخت گرا، نمی تواند بنشیند برنامه درسی بنویسد و همه سربه زیر آن را اجرا کنند.

۹) نسل سرد:

احتمال می رود که روز به روز نسل های برنامه درسی، نسل های سرد و کم هیجانی باشند. یعنی اگر ما یک نسل گرمی بودیم و بعداً یک نسلی آمد که نسل ولرمی بود؛ چشم های مان را خوب باز کنیم مدتی است نسلی دارد روی کار می آید که در عاطفی ترین، اجتماعی ترین، مدنی ترین و داوطلبانه ترین مجامعی که من حضور دارم در آنجا می بینم که مخاطبان سرد هستند و خیلی سورپرایز نمی شوند. در گذشته اگر در کلاس چیزی می گفتیم خیلی از بچه ها شگفت زده می شدند و می توانستیم شادی و گرمی را در چشمانشان نظاره کنیم. اما الان خیلی هایشان خیلی گرم و شاید حتی ولرم هم نیستند. تحقیقات نشان داده که تعلق مکانی دانشجویان به محیط دانشگاه دیگر مثل سابق نیست همیا چند روز پیش دانشجوی دکتری خوبی داشتیم از تز دکتری در همین زمینه دفاع کرد. ما باید خیلی کار کنیم تا یک مقدار الگوها و ترازهای تازه ای از تعلق و دلبستگی را برای ذینفعان برنامه درسی ایجاد کنیم.

متأسفانه برای این نسل سرد یک مقدار شاید سلبریتی^{۳۳} مهمتر از مرجعیت فکری شده و در نتیجه این مرجعیت فکری دانشگاه و مرجعیت علمی دانشگاه باید خیلی حرکت کند که تازه بتواند به پای سلبریتی ها برسد و مورد توجه دانشجویان یا ذینفعان برنامه درسی قرار بگیرد. این جای دریغ دارد ولی از ماست که برماست. سلبریتی در جای خود خیلی هم خوب، اما برای آینده ایران، تفکر انتقادی و خردورزی انتقادی وجدی و مرجعیت های روزآمد و پاسخگوی علمی لازم هست. الان در همه جای دنیا در اینترنت و فضای مجازی همه درس می دهند و انواع و اقسام فناوری ها، نوآوری ها و شگردها را بکار می گیرند. آیا

درس دانشگاهی ما می تواند یک تراز بالاتر از اینها در سطح اکادمیک و کلان دانش و متناسب با نیازهای جامعه و مرز های جهانی دانش پاسخگو باشد؟

۱۰) نسل سرسنگین:

این سرسنگینی نسبت به دانشگاه از آقایان شروع شد، به دختران مان هم می رسد و تقاضای اجتماعی آموزش عالی از اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ خورشیدی سر خم کرده است و دیگر مانند قبل همه برای دانشگاه تره خورد نمی کنند. شاید بیشتر به دنبال آموزش های چابک و باز و دوره های کوتاه تر آزاد و موردی و غیر رسمی^{۲۴} بروند و مدرک گرایی هم دیگر آهسته آهسته افول پیدا کند و جای آن را گواهی های کوتاه مدت حرفه یا و مهارت های خاص پیشرفته جدید می گیرد. دنیای امروز احساس می کند لازم است به دانشگاه سفارش های خاصی بکند و مخاطب آسانی نباشد و برنامه درسی برای مشترکین خاص و برای خریداران و سفارش دهندگان خاص اهمیت می یابد؛ به صورت سفارش های موردی و تک دوزی شده و نه انباری و انبوه. برنامه درسی نمی تواند به شکل تولید انبوه باشد.

ده خصیصه در نسل های نوپدید برنامه درسی

| |
|--|
| ۱. نسل عملگرا |
| ۲. نسل مطالبه گر و حسابگر |
| ۳. نسل پرتحرک و پابه گریز |
| ۴. نسل بازخیزهای هویتی |
| ۵. نسل نگران خسته و کم حوصله |
| ۶. نسل افقی و نامتقارن و میان رشته ای |
| ۷. نسل باخبر و نسل برخظ |
| ۸. نسل مخاطبان متفاوت با انتظارات کثیر |
| ۹. نسل سرد |
| ۱۰. نسل سرسنگین |

فرستخواه، شهریور ۱۴۰۰، پنل ۳۵، میز آینده پژوهی

1

در نهایت پرسش پنل حاضر وسی و پنچ ما این است که برنامه درسی در دانشگاه ایرانی که می خواهد به دوره ۱۴۰۰ و ۱۴۲۰ عبور کند آیا با برنامه درسی نسل ۱۴۰۰ و ۱۴۲۰ آشنا است؟ چقدر دانشگاه ها، استادان، مدیران و سیاست گذاران ما برای چنین آینده ای و برای زیستن با این نسل ها و نه همراهی منفعلانه بلکه سازگاری خلاق با این نسل ها و گفت و گو و کمک به این نسل ها و برنامه درسی دانشگاهی ما آمادگی دارد؟ چه بازدارنده ها و پیش برنده هایی در این مسیر وجود دارد و چه چیزهایی ما را از همراهی با این تحولات نسلی بازمی دارد؟ چه چیزهایی ما را همراهی منفعلانه و چه چیزهایی ما را از همراهی با این تحولات نسلی بازمی دارد؟ چه چیزهایی ما را همراه خلاق و موثری در این تحولات نسلی می کند و چقدر دانش و توانمندی ها و ظرفیت ها و زیرساخت ها و عادات و آداب های لازم را داریم؟ آیا استادان ما عادات و آداب های لازم برای زیستن با این نسل ها را در خود توسعه داده اند؟ چه چیزی ما را از همراهی خلاق با این نسل بازمی دارد؟ انتظار نمی رود که دانشگاه تمامی این تغییر و تحولات را بپذیرد چرا

²⁴ informal/ modular

که بخشی از تحولات می‌تواند ویرانگر باشد. دانشگاه نباید در برابر تحولات منفعل باشد بلکه برنامه درسی دانشگاه در برابر این تحولات می‌تواند نقاد، فعال، خلاق، افق‌گشاینده و آگاهی‌دهنده باشد، اما مهم این است که چقدر این برنامه درسی و کلاس درسی استادان و روش‌های تدریس، دانش، زیرساخت‌ها، مهارت‌ها، مدیریت‌ها و پردیس‌ها برای تعامل سازنده و موثر و هدایت‌کننده برای چنین نسلی آماده است.

• اکنون پرسش‌های این پنل:

۱. برنامه درسی در دانشگاه ایرانی برای عبور به دوره ۱۴۲۰ - ۱۴۰۰ چقدر با این نسل آشنا است؟

۲. چقدر دانشگاه‌های ما و استادان و مدیران و سیاستگذاران ما برای چنین آینده‌ای و برای زیست‌تن با این نسلیها آمادگی دارند؟

۳. بازدارنده‌ها و پیش‌برنده‌های ما در این مسیر چیست؟

۴. چقدر دانش و توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و زیرساخت‌ها و عادات لازم برای چنین آینده‌ای را دارا هستیم؟

۵. چه چیزی ما را از همراهی خلاق با این نسل باز می‌دارد؟ فراسخواد، شهریور ۱۴۰۰، پنل ۳۵، میز آینده پژوهی

28

دکتر سید سعید موسوی اصل

چند نکته که به ذهن من رسید و در راستای بحثی که فرمودند می‌خواهم اضافه کنم. به نظر من درباره برنامه درسی آینده ما مهم این است که ببینیم مشاغل آینده ما چه مشاغلی است؟ یعنی شما باید یک برنامه‌ریزی در وزارت علوم یا نهادهایی که مسئول این کار هستند تدارک دیده شود. ببینید ما برای مشاغلی که برای این کار لازم است نیاز به نیروی متخصص داریم و یکی از وظایف مهم کشور تربیت نیروی انسانی برای توسعه می‌باشد و ما باید ببینیم چه مشاغلی برای آینده نیاز داریم. چون در گذشته مشاغلی وجود داشت ولی الان دیگر وجود ندارند و جایگزین شده‌اند. بنابراین اگر ما بخواهیم یک برنامه برای آینده برنامه درسی داشته باشیم و اینکه برنامه درسی آینده ما چه باشد یکی از گام‌های اساسی این است که ما ببینیم مشاغل (مورد نیاز) آینده چه مشاغلی هستند؟ وقتی که بدانیم چه مشاغلی لازم است بعد می‌توانیم سیلابس درسی برایشان بنویسیم و بر مبنای آنها برنامه‌ریزی درسی خودمان را انجام دهیم. یکی از نکات دیگری که در بحث برنامه درسی باید مدنظرمان باشد این است که ما به کدام سمت می‌خواهیم برویم. بحث تعریف مسیر^{۲۵} به ویژه در حوزه سیاستگذاری بسیار حائز اهمیت است. ما قرار است به کجا برسیم و به دنبال چه هدفی هستیم. اگر ما این تعریف مسیر را برای خود به خوبی مشخص کنیم و در کنار آن مشاغل آینده را تعریف و پیش‌بینی کنیم، و اینکه ما قرار است با برنامه درسی‌مان چه کار کنیم. ما نیروی انسانی را به عنوان درون‌داد در نظر گرفته‌ایم و به دنبال آن باید چهار سال برای لیسانس و دو سال برای فوق لیسانس صبر کنیم که این دوستان وارد بازار کار شوند، ما قرار است بر مبنای این تعریف مسیر آنها را به کجا برسانیم. به نظر من این دو نکته را باید حتماً در برنامه‌ریزی درسی آینده‌مان مدنظر داشته باشیم. یعنی یکی بحث تعریف مسیر و سمت و سوی آن و اینکه در نهایت به کجا می‌خواهیم برسیم و دیگری اینکه مشاغل آینده‌مان باید چه باشد تا بتوانیم بر مبنای آن برنامه‌ریزی کنیم. سپاسگزارم

دکتر امیر دانشگر

آموزش عالی کشور در شرایط حادی می‌باشد و در واقع در همین نکاتی که امروز مطرح شد و همه عزیزان بهتر از من می‌دانند یک شرایط ایده آل را برای خود متصور هستیم و تحولاتی جهانی در ذهن ما شکل گرفته و قرار است این اتفاق بیفتد. به نظر من چالش



اصلی که ما داریم این نیست که شاید محلی که می‌خواهیم در آن باشیم تحولات جهانی را نمی‌شناسد و یا کجا وضعیت ایده‌آلی می‌باشد. من فکر می‌کنم الان با زحماتی که دوستان در موسسه و در جاهای دیگر می‌کشند کمابیش این مولفه‌ها روشن است. چالش اصلی ما این است که ما در گذار از وضعیتی که در آن قرار داریم و در آن جایی که باید باشیم را اگر مثلاً کشورهایی که در یک حالت ریلکس و در یک زمان خوبی طی کردند ما بنا به فشارهایی که داریم باید در زمان بسیار کوتاهی طی کنیم و این چالش بسیار بزرگی است که ما چه برنامه‌ای برای این گذار داریم. وقتی به این مسئله دقت کنیم که آموزش عالی ما بالاخره بخشی از یک اکوسیستم باید باشد، ما خیلی

نمی‌توانیم آموزش عالی را مجزا و منفرد بدانیم بدون توجه به اینکه جامعه ما و دانشجو و آحاد اجزای این سیستم از کارمند و استاد و غیره در چه وضعیتی قرار دارند. بنابراین نکته اصلی که من می‌خواهم عرض کنم شاید به نوعی در ذیل آیتم دوم آقای دکتر فراستخواه بگنجد و یا شاید یک آیتم جداگانه باشد این است که ما احتیاج به یک فرایند یا برنامه تحولی داریم که بسیار بسیار حساس است چون در زمان بسیار کوتاهی باید اجرا شود و در عین حال مولفه‌های خیلی متنوع و پیچیده‌ای دارد که باید در نظر گرفته شود و فکر می‌کنم که اصلاً راه‌حل آن یک راه‌حل مشخص و روشنی باید باشد؛ یعنی باید روی آن کار کرد و خیلی دقیق طراحی و اجرا شود و حتی اجرای آن هم خیلی مهم است.

نکته دیگری که فکر می‌کنم به این موضوع مربوط می‌باشد این است که ساختار آموزش عالی ما مرحله به مرحله به وجود آمده است، یعنی در یک زمانی ما فقط دوره‌های کارشناسی داشتیم و بعد وقتی دوره کارشناسی ارشد به وجود آمد آخرین مدرکی که در یک زمان داده می‌شد با یک ذهنیتی نزد استاد و دانشجو شکل گرفت و بعد از آن که دوره دکترا آمد تغییراتی در برنامه کارشناسی ارشد ایجاد شد و به عنوان یک ماهیت خاص شکل داده شد و برای هر کدام از این مقاطع یک زیرساخت وجود دارد. سوالی که در ذیل آیتم دوم باید جای بگیرد و شاید هم بتواند سوال مجزایی باشد این است که ساختار آموزش عالی ما چقدر قابلیت تغییر این ساختار سنتی که خیلی مرحله به مرحله هم شکل گرفته و شاید اگر بخواهیم همین الان آنها را طراحی کنیم خیلی جاهای آن با همین آیت‌هایی که در این نقطه‌ی ایده‌آل است همخوانی نداشته باشد. مثلاً در اهداف دوره کارشناسی ارشد و اهدافی که جدیداً ما داریم در مورد آن صحبت می‌کنیم و همین طور در اهداف دوره کارشناسی و دکترا.

بنابراین نکته دوم که فکر می‌کنم قابل بحث است این است که خود ساختار آموزش عالی ما الان چقدر نیاز به تغییر باید داشته باشد که این هم به هیچ وجه ساده نیست و یک فرایند گذار دارد که باید به دقت طراحی شود. بنابراین من می‌خواستم به این دو آیتم تاکید کنم که طراحی سیستم و روش گذار چه برای ساختار آموزش عالی ما و چه برای برنامه‌های درسی که در این جلسه مطرح است طراحی آن در زمان کوتاهی که داریم کار بسیار چالش‌انگیزی خواهد بود که باید به آن توجه شود. سپاسگزارم.

دکتر حسینعلی جاهد

آیا رسانه‌ها، فرهنگ‌های بومی، ویژگی‌های زیست محیطی و موارد دیگر در شکل‌دهی نسل آینده تاثیر ندارند؟ چطور می‌توان نسل بعدی را از سیطره فناوری اطلاعات و ارتباطات بر انسان و سیطره انسان بر ابزار تغییر داد؟ توسعه را انسان شکل می‌دهد یا انسان را توسعه؟ کدام مرغ است و کدام تخم مرغ؟ برنامه درسی چه نقشی در این زمینه‌ها دارد؟

دکتر جعفر توفیقی

من می‌خواهم پرسشی را به پرسش‌های آقای دکتر فراستخواه اضافه کنم که نسل آینده یک سوال مهم از ما خواهد پرسید و آن این



است که این جهان و زیست کره‌ای را که شما در معرض نابودی قرار دادید و به سمت ناپایداری می‌برید چگونه به مسیر پایداری برخواهد گشت و آینده بشر و آینده این زیست کره چگونه تضمین خواهد شد؟ این سوال بسیار مهمی است چون به نظر می‌رسد این همه تلاش که برای توسعه پایدار می‌شود و این همه اجرا و این همه نمایش و بیانیه ظاهراً پاسخگو نبوده و زیست کره کماکان در حال حرکت در مسیر ناپایدار و اضمحلال است. خانم دکتر حسینی به بعضی از مثال‌های آن اشاره کردند. بنابراین دانشگاه و برنامه درسی باید بتواند کسی را تربیت کند که آینده بشر و آینده این زیست کره را به سمت بقا ببرد. یک نکته

دیگر که در سوال آقای جاهد می‌باشد این که به ذهن من هم رسیده بود ضمن اینکه من اعتقاد دارم که برنامه درسی یکی از مهمترین سندهای نظام آموزش عالی در دنیا است و دانشجو در عبور از این مسیر برنامه درسی قرار است آن انسانی بشود که ما داریم شایستگی‌هایش را ترسیم می‌کنیم. من می‌گویم در آینده انسانی با چنین ویژگی‌ها و توانمندی‌ها و شایستگی‌هایی می‌خواهیم و این دانشجو در عبور از این مسیر برنامه درسی باید آنی بشود که ما می‌خواهیم. سوال این است که این مسیر چقدر در شکل‌گیری این شایستگی‌ها سهم دارد؟ چون دانشگاه و برنامه درسی تنها مسیر ممکن نیستند که انسان از آن عبور می‌کند.

الان در جامعه مسیرهای بسیار متنوعی هستند که هر روز دارند روی این شایستگی‌ها و ساخت انسان آینده تاثیرگذار هستند. چقدر دانشگاه‌ها می‌توانند تنها بازیگر این صحنه باشند و چقدر می‌توانند بر آن تسلط داشته باشند؟ من فکر می‌کنم تمام بحثی که ما داریم راجع به برنامه درسی می‌کنیم در این است که ما به یک آینده پایدار احتیاج داریم و ما آموزش را برای پایداری جهان می‌خواهیم. بنابراین عرض من این است که ضمن اینکه آن روندهای ده گانه که آقای دکتر فراستخواه اشاره کردند که مردم آینده برنامه‌های درسی چه کسانی هستند، دانشگاه‌ها نباید بنشینند تا این آینده اتفاق بیفتد دانشگاه‌ها باید یک آینده مطلوب را ترسیم کنند که آن آینده، آینده پایداری است. به نظر من مهمترین دغدغه بشر پایداری زیست کره و جلوگیری از نابودی بشر می‌باشد. بنابراین باید ببینیم که آن روندهای مطلوب آینده چه است و کدام یک از این ده مردم که آقای دکتر فراستخواه فرمودند برای پایداری زیست کره مطلوب و کدام نامطلوب است. دانشگاه‌ها باید سعی کنند که انسانی تربیت کنند که آن روندهای مطلوب را تقویت کند و از ویژگی‌های نسلی نامطلوب جلوگیری کند. سپاسگزارم.

دکتر رضا منیعی

جناب آقای دکتر توفیقی از شما پرسشی داشتم. با توجه به اشرافی که شما دارید و سابقه مدیریتی که داشتید چقدر دانشگاه‌ها این آمادگی را دارند که طرح‌ریزی این را کنند که برنامه‌ریزانی باشند که این محیط زیست را یک انسان خردمند و کارآمد برای نسل‌های آتی تحویل دهند. آن مسیری که شما اشاره کردید که ممکن است سهم خیلی زیادی هم نداشته باشد یا با توجه به مسیرهای مختلفی که در این جا مطرح شده است، دانشگاه چقدر می‌تواند سهم خود را به نحو خوبی ایفا کند که هم برنامه‌های درسی، انسان‌های خوب و پژوهش‌های خوب مناسب با زیست بوم پایدار آینده کشور داشته باشد؟

دکتر جعفر توفیقی

این یک سوال کلیدی می‌باشد من فکر می‌کنم ما برای آن یک برنامه می‌خواهیم و ما باید این آمادگی را در دانشگاه‌های خودمان و این درک و فهم و شناخت اهمیت و ضرورت را مقدمه آن آمادگی داشته باشیم. ما برای اینکه دانشگاه‌های خود را در این مسیر حرکت دهیم باید این تفکر در سیاست‌های آموزش عالی کشور مسلط شود. یعنی وزارت علوم و دولت باید به اجماع برسند که مسیر حرکت دانشگاه‌ها در آینده چگونه و به چه نحوی ترسیم شود، البته ما ظرفیت‌های پراکنده‌ای در دانشگاه‌ها داریم که باید تجمیع شود و به یک اراده مسلط تبدیل شود که بتواند پیش برود و به تدریج خروجی‌های خود را نشان دهد.

دکتر مرتضی کرمی

سوالی که جناب آقای دکتر فراستخواه مطرح کردند بسیار سوال دقیق و عمیقی می‌باشد. من معتقدم یکی از منظرهایی که می‌توان به این موضوع نگریست و منظر مهمی هم هست این است که مخاطب ما چه کسی است. اما در کنار این بایستی این سوال مطرح شود که جامعه ما در دو دهه آینده چه مشخصاتی خواهد داشت. کما این که در سال‌های اخیر و در روزهای اخیر اثرات آن را در آموزش



عالی کشور می‌بینیم و در آینده هم قطعاً این تغییر و تحولات وجود خواهد داشت. قاعدتاً در چنین پیوستاری یکسری مشخصه‌ها را جامعه از آنها انتظار دارد که داشته باشند که شاید اینها خیلی همراه با هم باشند و همانطور که آقای دکتر هم اشاره فرمودند خیلی مواقع به جای اینکه ما بخواهیم با این ویژگی‌ها سازگار شویم باید این ویژگی‌ها را به سمت فعالیت‌های نظام آموزش عالی سوق بدهیم.

من معتقد هستم در دو دهه آینده جامعه و آن چیزی که پاسخگویی اجتماعی دانشگاه بسیار پررنگ‌تر از گذشته خواهد بود و این حتی به مزیت رقابتی دانشگاه‌ها تبدیل خواهد شد این است که برنامه درسی به عنوان اصلی‌ترین وسیله‌ای که می‌تواند پاسخگویی اجتماعی دانشگاه را در امر آموزش بالا ببرد به مزیت رقابتی دانشگاه‌ها تبدیل خواهد شد که در آینده قطعاً بحث بازار کار و مشاغل پیچیده‌تر از امروز خواهد بود و برای حضور در آن بازار کار دانشجویان باید بتوانند شایستگی‌های

محوری را کسب کنند. ما در ادبیات برنامه درسی شایستگی آموزشی^{۲۶} چه در بحث‌های آموزش عالی و چه در بحث‌های برنامه آموزشی دیگر شاید غریب به سه دهه است که داریم اما در آموزش عالی حداقل در کشور خودمان نظام رشته‌ای همچنان حاکم است و شاید

²⁶ education competency

آن چیزی که شالوده اصلی علم است و آن دسیپلینیری^{۲۷} علمی وجود دارد، اما نمی‌شود سطح پاسخگویی اجتماعی داشت مگر در تغییر در رویکردهای برنامه درسی. نظام برگرفته از محور اولی که عرض کردم که مقتضیات آینده است من معتقدم برنامه درسی آینده دست کم شش ویژگی خواهد داشت.

اول اینکه یک برنامه درسی خواهد بود که بیش از پیش مبتنی بر نتایج^{۲۸} آموزش عالی خواهد بود. یعنی بیش از پیش پیامدها را شفاف می‌کند و مبتنی بر آن جلو می‌رود چرا که این برنامه درسی قرار است بتواند پاسخگویی اجتماعی دانشگاه را بالا ببرد به ویژه در دوره رقابتی که به نظرم در دو دهه آینده وضعیت دانشگاه رقابتی‌تر خواهد بود چه از منظر مالی که خانم دکتر اشاره فرمودند و چه از منظر جذاییتی که می‌تواند برای دانشجو داشته باشد.

بحث آموزش شایسته محور به نظر من یکی از ویژگی‌های اصلی خواهد بود و آن شایستگی‌ها از جنس نرم خواهد بود و در عمده تغییراتی که در کسب و کارها می‌بینیم این است که آن کارهای ساده توسط ربات‌ها و برنامه‌های کامپیوتری انجام می‌شود و انسان‌ها عمدتاً در جاهایی ایفای نقش می‌کنند که آن فناوری و آن ابزارآلات نمی‌تواند از عهده آنها بر بیاید. از طرفی تحولاتی که در جامعه در حال اتفاق است مشاغل را پیچیده‌تر می‌کند. کفایت که ما بخواهیم معلم امروز را با معلم دو دهه قبل مقایسه کنیم کفایت که پزشک امروز را با پزشکی دو یا سه دهه پیش مقایسه کنیم. تفاوت‌ها کاملاً بارز است. نه تنها از منظر علم پزشکی برای پزشک بلکه از منظر اینکه امروز این پزشک در جامعه یک عامل اجتماعی است که باید پزشکی اجتماعی قوانین و مقررات حقوقی را بداند و باید بتواند به عنوان فردی که در جامعه اثرگذار است در جامعه عمل کند و برای خیلی از هیئت‌های دیگر هم به همین شکل می‌باشد. معتقدم که دانشگاه در آینده بیش از امروز با جامعه ارتباط برقرار خواهد داشت، و مرزهای بین جامعه و دانشگاه کمرنگ خواهد شد. امروزه عمدتاً در نظام آموزش عالی‌مان، نظام برنامه درسی‌مان اصطلاحاً اچ شکل می‌باشد یعنی سال‌های مشخصی را در دانشگاه هستیم و سال‌های مشخصی ترم‌های مشخصی را حضور پیدا می‌کنیم و عمدتاً خیلی این نظام اصطلاحاً اچ شکل موثر نبوده است. دلیلی که وجود دارد نظام به اصطلاح ذ شکل است که از همان ابتدا حضور در عرصه وجود دارد و در طی دوران تحقیق در برنامه درسی پررنگ‌تر می‌شود. معتقدم در آینده برنامه‌های درسی ما بیش از گذشته در تعامل با رابطه‌گذاران بازار کار و در تعامل با سیاست‌گذاران جامعه تدوین و اجرا خواهد شد که به نظر من بحث اجرا هم یک مسئله مهم است که پاسخگویی برنامه درسی را افزایش خواهد داد. بحث برنامه‌های درسی بین رشته‌ای و فرارشته‌ای که خانم دکتر به آن اشاره کردند و در کشورمان خیلی در این زمینه آزمایش و خطا انجام داده‌ایم. تجربیاتی هم در کشور وجود داشته و بعضی از دانشگاه‌ها رشته‌های بین رشته‌ای ایجاد کرده‌اند اما هنوز که هنوزه یک فرهنگ و گفتمان در رشته‌های بین رشته‌ای اتفاق نیفتاده است.

حداقل در دانشگاه فردوسی مشهد در این شش سال که من در برنامه درسی دانشگاه حضور داشتم و بارها دیدم هر وقت خواستند آشتی برقرار کنند بین گروه‌هایی که در عرصه آموزش و پژوهش کار می‌کنند آنقدر این دیوارها بلند و قطور بوده که با کمترین سطح همکاری مواجه بود. لذا فرارشته‌ای شاید در این دو دهه آینده آرزویی دست نیافتنی باشد اما بین رشته‌ای‌ها به نظرم در راستای افزایش پاسخگویی اجتماعی دانشگاه بهتر بتوانند جواب دهند که این می‌تواند ریشه در مسائل جامعه داشته باشد.

محور پنجم فناوری اطلاعات است که قبلاً به آن اشاره شده و من نمی‌خواهم به آن بپردازم. طرح آن در دو سال اخیر در مورد کووید ۱۹ کاملاً مشخص است. نهایتاً معتقدم برنامه درسی آینده بسیار انعطاف‌پذیرتر از امروز خواهد بود. برنامه‌درسی دیگر فقط این نیست که در بازه پنج ساله تغییر پیدا نکند. تغییر و تحولاتی که دارد اتفاق می‌افتد و انعطاف‌پذیری که برنامه درسی در تعامل با بحث‌های اجرایی دارد باعث می‌شود برنامه درسی انعطاف‌پذیرتر باشد. محور پایانی که کوتاه عرض خواهم کرد فرآیند برنامه درسی است. من

²⁷ disciplinary

²⁸ Outcome based

معتقدم این فرایندی که امروز بیش از هر چیز اداری است و در دانشگاه‌ها و در وزارت عتف اتفاق می‌افتد جایش را به یک فرایند پویاتر خواهد داد؛ فرایندی که در آن اعضای هیئت علمی و گروه‌های آموزشی نقش پررنگتری و استقلال بیشتری خواهند داشت و از نظر بنده این گونه نیست که در پنج سال غیرقابل تغییر باشد. چیزی که ما انتظار داریم در واقع موجب می‌شود که برنامه‌های درسی خیلی به شکل انعطاف‌پذیرتری توسط اعضای تیم و گروه‌های آموزشی مدیریت شود. سپاسگزارم.

دکتر جمشید اسماعیلی

راجع به توسعه پایدار تقریباً به طور جدی از سال ۹۶ است که تقریباً همه دانشگاه‌های کشور شورای راهبری مدیریت سبز تشکیل دادند با دستورالعملی که از طرف به وزارتخانه ابلاغ شد و به نوعی همه دانشگاه‌ها وارد بحث‌هایی تحت عنوان دانشگاه‌های سبز شدند و عمده هدف آنها هم همین دغدغه‌هایی بود که آقای دکتر توفیقی فرمودند و خانم دکتر حسینی هم به آن اشاراتی داشتند. نزدیک به ۱۸۰ دانشگاه کشور شورای مدیریت سبز دارند و عمده هدفی که در این دانشگاه‌ها دنبال می‌کنند این است که اولاً خود دانشگاه‌ها از نظر مصرف انرژی، خودشان عامل باشند، برنامه‌ریزی داشته باشند و دغدغه‌های توسعه پایدار را به عنوان یک مسئولیت قبول کنند. از این نظر اعتباراتی از طرف وزارتخانه و سازمان در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد. شوراهای کمیته‌های تخصصی تشکیل داده شد که به صورت ماهانه جلسه دارند و کارهای دانشگاه‌ها را ارزیابی می‌کنند. عمده هدف ما از سال ۹۷



به بعد این بوده دانشگاه‌ها پروژه‌هایی در حوزه مدیریت سبز داشته باشند که در این حوزه هم بحث انرژی و انرژی‌های تجدیدپذیر، بحث ردپای کربن، بحث پسماندها، بحث بازچرخانی فاضلاب دانشگاه‌ها مطرح باشد و در همه این حوزه‌ها وزارتخانه وارد شده و دانشگاه‌ها روی طرح‌های آن کار می‌کنند. کارهای که در دانشگاه‌ها انجام می‌گیرد و هر ساله ارزیابی می‌شود و پروژه‌هایی در این زمینه انجام شده که منجر به نتیجه‌گیری مثبت شده است؛ مثلاً دانشگاه‌ها ارزیابی می‌شوند که چقدر صرفه‌جویی در برق و گاز دارند که در این مورد حدود بالای سی درصد صرفه‌جویی‌ها با مستندات ارائه شده و خلاصه یک سیستم پویایی داریم که دانشگاه‌ها باید اقدام کنند. اما آخرین مطلبی را که ما به آن به عنوان دغدغه داریم و از طریق وزارتخانه به دانشگاه‌ها ابلاغ کردیم این است که تا زمانی که دانشگاهیان به این بحث توسعه پایدار ایمان نیاورند و به آن باور نداشته باشند و تا زمانی که این باور از طریق دانشگاه‌ها به سطح جامعه منتقل نشود این مشکلات زیست محیطی و بحث توسعه پایدار امکان نخواهد داشت. بنابراین همه برنامه ما این است که در دانشگاه‌ها بحث‌های آموزش را دنبال کنیم و از نظر برنامه درسی ما فکر می‌کنیم که می‌توانیم دو نوع آموزش داشته باشیم.

اول اینکه آموزش عمومی در کل دانشگاه باشد و برای همه دانشگاه‌ها و دانشگاهیان از نظر یکسری اقداماتی که روزانه با مصرف برق و گاز و آب دارند. دوم اینکه ما در قبال شما از دو نظر مسئولیت داریم یکی اینکه آموزش‌های خارج از دانشگاه‌ها را چه کسانی باید و به چه کسانی منتقل کنند و کجا باید آموزش داده شوند. به نظر من بهترین جا دانشگاه است که چنین سیستمی را از نظر ارائه برنامه درسی باید در دانشگاه‌ها فراهم کنیم. از همه مهم‌تر اینکه بالاخره الان این همه مشکلاتی که از نظر زیست محیطی در دنیا به وجود آمده بالاتفاق به این نتیجه رسیده‌ایم که بالاخره دخل و تصرف بشر است که این اتفاقات افتاده است. آیا یک کشاورز معمولی کاری کرده است یا یک پژوهشگر دانشگاهی در حوزه کشاورزی دخالت‌هایی کرده یا در حوزه‌های دیگر دخالت‌هایی کرده و این دخالت‌ها

حاصل از پژوهش‌ها و تحقیقاتی بوده که وارد شده است. به نظر ما مورد دوم خیلی مهم‌تر می‌باشد. نتیجه اینکه ما فکر می‌کنیم هر کسی در دانشگاه در هر حوزه‌ای تحقیقاتی را انجام می‌دهد بایستی پشتوانه زیست‌محیطی آن را هم مورد توجه قرار دهد و بایستی پشتوانه توسعه پایدار را هم برای آن در نظر قرار دهد. به طور مثال تخصص بنده عمران می‌باشد و مخصوصاً در زمینه بتن و سیمان کار من تخصصی‌تر است. من دانشگاهی وقتی در دانشگاه راجع به تکنولوژی و فناوری بتن تحقیق می‌کنم و هرروز آورده‌های جدید را می‌آورم باید توجه داشته باشم که مثلاً زمانی که سیمان تولید می‌کنم چقدره گاز CO_2 تولید می‌کند. بنابراین اگر بخواهیم محصولی را تحت عنوان بتن وارد جامعه کنیم که بیشترین تاثیرگذاری را هم در صنعت ساختمان دارد باید ببینیم که چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم که به جای سیمان مواد دیگری را استفاده کنیم که اثرات زیست محیطی مثبتی داشته باشد. در همه رشته‌ها آموزش‌هایمان باید به گونه‌ای باشد که در خود رشته، محقق یا آموزش‌دهنده متوجه بحث‌های توسعه پایدار آن رشته باشند. ما نمی‌توانیم برای همه افراد یک سری درس‌های مشخص تدریس کنیم. با توجه به ریز بودن حوزه تحقیقات و تخصصی‌تر بودند بهتر است که به نظر من بحث توسعه پایدار هم در رشته‌های مختلف به صورت تخصصی به آن پرداخته شود و هر کسی در حوزه خودش مسئولیت خودش را ایفا کند. در ادامه من به عنوان یک معلم بحثی را که تجربه و از نگرانی‌های خودم هست را مطرح می‌کنم. در عرض این دو سال گذشته بحث کرونا بر ما تحمیل کرده که سیستم آموزش خود را تغییر دهیم و ما الان یاد گرفتیم که باید با پیشرفت‌های جدید سیستم آموزشی خود را عوض کنیم.

آن چیزی که در دو سال گذشته اتفاق افتاده این است که ما برای کیفیت آموزش‌هایی که قبلاً ارائه می‌دادیم آیا الان کیفیت‌ها را داریم و یا خیلی از آنها را از دست داده‌ایم. آیا در عرض این دو سال گذشته مثلاً این ترم و ترم‌های قبل از ابتدا که با این مشکلات برخورد داشتیم چه چیزهایی را از دست دادیم. به نظر من سیستم آموزشی ما باید نگران چیزهایی باشد که از دست داده و در حقیقت خیلی چیزها را از دست داده‌ایم. عامل آن را هم خانم دکتر حسینی فرمودند که ما یک مقاومت در آموزش و یادگیری داریم علت آن را هم فرمودند. یکی از دلایل آن ناامیدی و عدم امید به آینده است. هنوز دانشجو در عرض این دو سال مقاومت داشت ما حضوری می‌رفتیم درس می‌دادیم و به نوعی ارتباط را با دانشجو برقرار می‌کردیم ولی الان ارتباطات ما کنترل شده نیست و این مقاومت و ناامیدی باعث شده که حتی در برخی از ترم‌ها دیگر اساتیدی که امتحان می‌گیرند باید امتحاناتشان طوری باشد که دانشجو نتواند تقلب کند، خواهند دید که سطح آموزش به طور صد درصد کاهش پیدا کرده است. من در درس‌های خودم عرض می‌کنم؛ سعی کردم کنترل بیشتری داشته باشم و سابقه نداشت که پنجاه درصد کلاس صفر بگیرند چون فکر می‌کردند کسی دیگر این کار را برایشان انجام خواهد داد. بنابراین به عنوان یک نگرانی عرض می‌کنم برنامه سیستم‌های جدیدی که در آموزش به ما تحمیل می‌شوند بایستی به کیفیت و کنترل آن تسلط داشته باشیم که ما فعلاً راه‌های کنترل آن را نداریم. به نظر من برای کارهای آینده ما نگرانی این را نداریم که در آینده چه نیاز خواهیم داشت. اگر ما یک سیستم پویا داشته باشیم که برای آینده و در آینده تصمیم بگیریم الان نگران نباشیم که فردا چه درسی را قرار دهیم، باید سیستم ما آنقدر پویا باشد که فعلاً ارزیابی کنیم چه شغل‌هایی در جامعه وجود دارد و برای چه شغل‌هایی باید دانشجو تربیت کنیم. فکر می‌کنم که همه ساله می‌توانیم به مسئولیت‌های خود عمل کنیم. سپاسگزارم.

دکتر محمدرضا آهنچیان

من هم مانند آقای دکتر کرمی چند نکته را در ارتباط با محور اصلی میز آینده پژوهی امروز خدمت شما تقدیم می‌کنم. از آنجایی که علم یکپارچگی ایجاد می‌کند، مردم و کشورهای جهان به همدیگر نزدیک شدند و این نزدیکی و فراغت بیشتر خواهد شد بر این اساس

می‌توانیم بگوئیم تاثیر پدیده‌هایی که حتی در پیرامون ما مشاهده می‌شود از نگاه مردم جهان روز به روز به هم شبیه‌تر می‌شود و در حقیقت آن اصطلاحی که سه چهار دهه پیش تحت عنوان دهکده جهانی مطرح شد و با انتقادات جدی روبرو شد حداقل از نگاه علم به نظر می‌رسد که محقق شده و در مسیر تحقق جدی‌تر و شدیدتر می‌باشد. از این رو آن چالشی که برای برنامه درسی وجود دارد این است که بوم و زیست بوم مخصوصاً شامل سطح فرهنگی و اجتماعی است چگونه در این جهان به سمت یکپارچگی بیشتر و شبیه به هم شدن بیشتر می‌توانند در قالب برنامه درسی دیده شود. قاعدتاً دانشجوی ما مایل است که در تراز جهانی امروز بیاموزد و مناسبات و رفت و آمدها و ارتباطات در این کشورها بیشتر شده است، مردم دنیا دوست داند که تجربه‌های زیست در کشورهای دیگر را داشته باشند و با برنامه‌های دیگر آشنا شوند. دانشجویها جزو کسانی هستند که در کنار این مایل هستند که تحصیل خود را در دانشگاه‌های دیگر به انجام برسانند و مدارک تحصیلی معتبرتری دریافت کنند. به این ترتیب از یکسو دانشجو مایل است برنامه درسی‌اش برنامه‌ای باشد که آن را با علم روز آشنا کند، علم روز یکپارچگی ایجاد می‌کند و کمتر میل به وابستگی زمینی دارد.

از سوی دیگر ما در جامعه و کشوری زندگی می‌کنیم که میل داریم زیست بوم خودمان را در آموزش‌های خود مد نظر جدی قرار دهیم و به یک نحو علم را به معنی علم بدون توجه به زمینه که زمینه را نمی‌پذیریم فکر می‌کنیم غربی می‌باشد بچه‌های ما را می‌تواند چه در علوم تجربی و چه در سایر علوم غرب زده کند. این تقریباً بیان یک چالش است که وجود دارد. ما الان در برنامه‌های درسی دو دهه آینده مان باید در این رابطه چه کنیم. به دنبال علم روز برویم و آن را منتقل کنیم. علم روز معمولاً یک حالت جهانشمولی^{۳۹} در کل‌گرایی و یکپارچگی دارد که مایل نیست تحت تاثیر زیست‌بوم‌ها قرار بگیرد و از سوی دیگر خواست کشور و جامعه ما در این رابطه برنامه درسی را به عنوان یک چالش می‌بیند و به نظر من یک مسئله محوری می‌باشد.

محور دوم در چشم اندازی که برای تحولات برنامه درسی دانشگاه وجود دارد این است که ما به طور ناگزیر به سمت زبان یک‌گانه_

در مقابل زبان دوگانه و چندگانه _ حرکت می‌کنیم که منظور همین زبان محاوره است. منظور من به طور خاص و روشن زبان انگلیسی است. به سمت زبان یک‌گانه در علم حرکت کردیم، اساتید بزرگواری که در اینجا حضور دارند این تجربه را داشته‌اند که مثلاً در اجتماعات علمی سی سال گذشته این احتمال وجود داشته که افرادی که از کشورهای آلمانی زبان یا فرانسوی زبان یا مانند آن تمایل نداشتند که در کنفرانس‌ها و اجتماعات علمی به زبان انگلیسی صحبت کنند اما امروز این تابو شکسته شده و همه می‌بینیم که زبان انگلیسی بدون تعارفات سیاسی، زبان روز علم جهان شده است. بنابراین ما



باید ببینیم آنچه که زبان در رابطه با محتوای علم ظابطه و رابطه ظرف و مضمونی وجود دارد؟ آیا این کشش را دارد که ما برنامه درسی مان و محتوا و منابع درسی مان را همچنان بر اساس زبان فارسی تنظیم کنیم. به نظر من در علوم انسانی، زبان فارسی برگردان زبان انگلیسی، زبانی ناقص بوده و وقتی که اساتید محترم متن اصلی را به زبان انگلیسی مطالعه می‌کنند تفاوت‌های بسیار آشکاری در مضامین، برداشت‌ها و آن حسی که وجود دارد در متون مشاهده می‌کنند و این هم تقریباً یک نقش چالشی دارد ولی به هر حال نسبت به ظرف و مضمون در اینجا در موضوع زبان، حرکتی به سمت یگانگی است و توسعه روزافزون زبان انگلیسی که در اجتماعات یادگیری و در دانشگاه‌ها وجود دارد قرار است که ما در بیست سال آینده با این موضوع چه کنیم.

آیا این امکان وجود دارد که شورای انقلاب فرهنگی این مجوز را به ما بدهد که برنامه درسی خودمان را همچنان به زبان روز دنیا چنان که در خیلی از کشورهای دنیا و همچنین در مناطق اسکاندیناوی و اروپا و حتی در شرق دنیا که برنامه درسی به زبان انگلیسی می‌باشد و همینکه یک دانشجوی بین‌المللی گرفتند (لزوماً به معنای) رونق در حوزه علم‌شان و تسریع این روند نیست. به نظر من این موضوعی است که در کشور ما هنوز حل نشده و پیش‌بینی من این است که ناگزیر به آن سمت خواهیم رفت چون مشخصاً آموزش زبان انگلیسی در کشور ما رونق روز افزون پیدا کرده و این فرصت را ایجاد کرده که دانشگاه‌های ما به خصوص در رشته‌های علوم تجربی و علوم سخت راحت‌تر با این زبان کنار بیایند و در علوم انسانی هنوز به خاطر اینکه پایه‌های بچه‌ها در زبان انگلیسی در دوره‌های ابتدایی و پیش از ورود به دانشگاه به میزان مورد انتظار قدرت پیدا نکرده و هنوز در این زمینه مشکلاتی وجود دارد.

سومین محوری که به نظر می‌آید برنامه‌های درسی آینده در ایران با آن روبرو باشد مواجه شدن با تغییر در تقسیم بندی علوم است. مستحضر هستید که به طور سنتی علوم انسانی تقسیم بندی راحتی بوده که هنوز وجود داشته یا تقسیم بندی نرم و سخت. اما همانطور که آقای دکتر فراستخواه هم به یک زبانی البته تحت عنوان نسل آینده اصطلاح ولرم را به کار بردند ما حالا می‌توانیم بگوییم بین نرم و سخت یعنی واژه‌ای ایجاد کنیم و بگوییم در یک پیوستاری که حداقل صد درجه دارد ما می‌توانیم علوم را در جاهای مختلف قرار دهیم. بنابراین اینکه ما واقعا در آینده بیست ساله‌مان چگونه با این علوم مواجه می‌شویم. برنامه‌های درسی دیگر در آن طبقه‌بندی دوگانه نمی‌توانند اصول و قواعد معین را به معلمان و کسانی که درگیر برنامه درسی می‌شوند پیشنهاد دهند. بنابراین آیا ما انواع قالب‌های برنامه درسی را به عنوان مثال در یک طیف صد درجه‌ای لازم داریم یا خیر و واقعا می‌توانیم آنها را تبدیل به دو نیمه نرم و سخت کنیم و آن را دست بالا بگیریم که شامل چهار رکن کاملاً سخت، نسبتاً سخت، نسبتاً نرم و کاملاً نرم ترسیم کنیم. به هر حال این موضوعی است که حتماً ناشی از کم‌خوانی و کم‌دانی من می‌باشد اساتید بزرگ برنامه درسی حتماً در این موضوع مطالعاتی داشته‌اند. چهارمین محور توجه، یادگیری مضاعف است. به نظر می‌آید که در دنیا این تجربه کاملاً در دانشگاه‌های بزرگ و پیشرو اتفاق افتاده است و در کشور ما در برخی از موارد مثل آنچه که در عمل در برنامه دوگانه و چندگانه دانشگاه تهران در سالهای ۹۸ و ۹۹ به این طرف انجام شده و یا همان مدل قدیمی که از پیش وجود داشته است. منظور من از یادگیری مضاعف این است که دیگر ما نباید فقط فیزیک را در یک درس یاد بگیریم و یا مثلاً در یک درس فقط ادبیات بیاموزیم. مهمترین وظیفه ما این است که مسئولیت اجتماعی را به دانشگاه‌های خودمان آموزش دهیم. نقش برنامه درسی و نقش برنامه نویسان درسی در این حوزه و زمینه چیست. نکاتی که اساتید مخصوصاً در بحث زندگی سبز و حیات سبز فرمودند یک بخشی از مسئولیت اجتماعی محسوب می‌شود. در حقیقت مثلاً می‌گوییم پیوست این برنامه مهارت افزایی است و پیوست آن برنامه کارآفرینی است. تقریباً می‌توانم بگویم که مربوط به نسل قدیمی است. الان پیوست برنامه هم این نیست و باید در دل مسئولیت‌های اجتماعی قرار بگیرد. ما چگونه می‌توانیم در دل آموزش فیزیک در یک درس از رشته‌های مهندسی و مانند آن مسئولیت اجتماعی را قرار دهیم و محور قرار دهیم که از جمله بحث‌هایی مثل مهارت زندگی و حیات سبز می‌توانند در دل آن قرار بگیرند.

پنجمین محور غلبه به آموزش‌های فراکلاس درس که ناشی از توسعه شبکه‌های اجتماعی یادگیری است. کلاس بی‌حصار در حقیقت آنچه محصول توسعه اجتماعی یادگیری است که عزیزان به آن اشاره کردند. قاعدتاً زیرساخت آن توسعه فن آوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) است ولی در عین حال این میل به حضور در شبکه‌های اجتماعی - یادگیری، لزوماً به دلیل وجود و گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات نیست، کلاً بچه‌ها علاقه پیدا کرده‌اند که دور همدیگر یاد بگیرند و مباحث را در یک حوزه دانشی از موضوعات دیگر به اشتراک بگذارند. این علاقه شاید در نتیجه فاوا ایجاد شد و گسترش پیدا کرد اما امروز به نظر من فقط وابسته و متکی به فاوا نیست و در عین حال آن این رابطه را تسهیل می‌کند و یا باعث سرعت بخشیدن به آن می‌شود. این غلبه آموزش‌های فراکلاس درس در برنامه‌های درسی حتماً عامل آثار بسیار زیادی خواهد بود که اساتید عزیز برنامه درسی به آن واقف هستند.

آخرین محور توسعه آموزش‌های مجازی و رسانه‌های دیجیتال است که به طور مشخص آنچه که نقش رسانه در برنامه می‌گذارد با محور پنجم متفاوت است چون راجع به فناوری اطلاعات و ارتباطات نیست و گفتیم که ما نیاز داریم بدانیم که آموزش‌های فراکلاس درس به وضعیت کلاسیک آموزش غلبه پیدا می‌کند اما در اینجا بحث این است که آیا رسانه‌ها نقش موثری در آموزش بازی می‌کنند. در گذشته هم موارد تکنولوژی آموزشی و کاربرد رسانه‌ها مرتبط با موضوع بوده است منتها چون رسانه‌ها به کمک فناوری‌های توسعه یافته در حال ورود بیشتر به فضای یادگیری و فضای یادگیری مخصوصاً محیط درسی هستند، قاعدتاً ما در اینجا لازم داریم که بدانیم رسانه‌ها در برنامه درسی کجا قرار می‌گیرد و چقدر می‌تواند در هدف درس، در سیلابس، در منابع یادگیری و در روش‌های یادگیری تاثیر خود را بگذارد. سپاسگزارم.

دکتر کیومرث زرافشانی

من به صحبت‌های زیبای آقای دکتر فراستخواه در مورد ده نسلی که به وجود آمده برمیگردم. من می‌خوام جلوی هر کدام از این نسل‌ها یک پرانتز کوچک باز کنم. چه کسی باعث ایجاد نسل مطالبه‌گر شده است. باعث و بانی آن من استاد و عضو هیأت علمی بوده‌ام که با قرض و قوله‌های علمی که به بار آورده‌ام و ادای استاد همه چیزدان را درآورده‌ام دانشجو را به جایی کشانده‌ام که دیگر خسته



است و مطالبه‌گر شده و تا جایی پیش رفته‌ام که دانشجو را از آن مباحث عملی نه تنها دور کرده‌ام بلکه الان این دانشجو یک دانشجوی عملگرا و تجربی‌باز و تجربی‌دوست شده است که عامل آن نبوده‌ام. من که پرتحرکی را که می‌توانست در کلاس و دانشجو نمود پیدا کند را سرکوب کرده‌ام و بی‌تحرکی را در کلاس ترویج کردم. من که بازخیزهای هویتی که سر کلاس مسخره کرده‌ام و قومیت‌ها و حتی در بعضی مواقع مذاهب را آنقدر مسخره گرفتم که الان این بازخیز به وجود آمده است. نسل نگران خسته را من به وجود آورده‌ام من سر کلاس او را با تکالیف سرد و بی‌روح، خسته و

کم حوصله‌ترش کردم. نسل متقارن و غیرخطی را قطعاً من به وجود آورده‌ام چون اعتقادی به ایفای نقش استاد به عنوان حامی و پشتیبان^{۳۰} نداشتم. من که باخبر را اینگونه به وجود آوردم که فکر می‌کردم یک دانشجوی بی‌خبر است و هرچه می‌خواهم به او می‌گویم از کشاورزی که تخصص من است به او می‌گفتم تا هرآنچه که شما فکر آن را بکنید. من که مخاطبین متفاوت را که هیچگاه در کلاس متوجه نشدم که در اینها تفاوت‌های فردی وجود دارد و من باید این تفاوت‌های فردی را همانطور که خانم دکتر حسینی اشاره کردند مورد توجه قرار دهم. نسل سرد و کم هیجان را، نسل سرسنگین و نسل قهر کرده‌ای که دیگر با من قهر است را من به وجود آوردم. لذا من از همین جا از تمام دانشجویانی که در این بیست و نه سال در بخش کشاورزی آموزش دادم عذرخواهی می‌کنم. من از تمام این دانشجویان شرمندهم که بلایی بر سرشان آورده‌ام که اکنون این ده نسل را نمی‌توانم جوابگو باشم.

من نمی‌دانم چرا ما همیشه تمام این بلایا را روی سر دانشجو خالی می‌کنیم. چرا ما نمی‌گوییم که چطور شد که چنین نسلی به وجود آمد. مگر آینده پژوهی اشاره به روند ندارد. اگر قرار است یک آینده‌ای پژوهش شود باید ابتدا به روندهای آن نگاه کنیم. روندی که من در این بیست و هشت سال اجرا کرده‌ام اشتباه بود. من نتوانستم توقعات بچه‌ها را یکی پس از دیگری اجرا کنم. و حالا سوال دوم شما که آیا اساتید آماده هستند؛ که من نیستم. من آماده نبودم و نیستم و تمام گناهان را گردن می‌گیرم از همین جا از تمام دانشجویانی که

در بخش کشاورزی در کلاس‌های من نشستند عذرخواهی می‌کنم و من شرمنده تمام این دانشجویانی هستم که نه تنها نیازهایشان را جواب ندادم اما با روحیه همه‌چیزدانم همه چیز را خراب کردم. امیدوارم در یک روزگاری بتوانم حداقل به بچه‌های خودم آموزش دهم که اگر قرار باشد در کلاسی بنشینند و این کلاس بتواند نیازهای آنها را برطرف کند، نیاز به اساتیدی خواهیم داشت که حداقل به این موضوع اشراف داشته باشند که قسمتی از این داستان‌ها به گردن ماست. پس نترسیم و بیایید نقد کنیم و ببینیم که چه شد که این نسل به وجود آمد. سپاسگزارم

دکتر احمد رضا روشن

من می‌خواستم چند نکته تکمیلی به مباحث عزیزان اضافه کنم. همانطور که می‌دانید برنامه درسی بخشی از سیستم یک نظام آموزشی عالی است. وقتی ما آینده آموزش عالی دانشگاه را ترسیم کنیم می‌توانیم تا حدود زیادی تشریح دهیم، به عبارت دیگر اگر بدانیم که دانشگاه در آینده چه خواهد شد می‌توانیم بفهمیم که برنامه درسی چه خواهد شد. برای اینکه بفهمیم آینده آموزش عالی چه خواهد شد می‌توانیم دو رویکرد داشته باشیم. یکی رویکرد *would be* یعنی آنچه که اتفاق خواهد افتاد و دیگری رویکرد *should be* یعنی آنچه که باید باشد. یکسری از مباحث بحث *would be* بود یعنی آنچه که خواهد شد. این روندی است که بر آینده آموزش عالی مسلط خواهد شد. یعنی دانشگاه و آموزش عالی در انحصار بازار و محاصره مشاغل خواهد بود و در واقع برنامه درسی را جریان‌های شغلی و نیازهای بازار شکل می‌دهند. فرض کنید رونق مباحث علوم دیجیتال یا هوش مصنوعی که ممکن است مانند گردشگری فضایی یا ترکیب انسان و ربات در آینده متناسب با این شغل ایجاد شود. اینها را ما می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که در چه قالبی خواهد بود. منتها در بحث *should be* که چه باید باشد و اتفاقاً سوال اصلی باید این باشد و تلاش ما باید در آن جهت حرکت کند این است که هویت دانشگاه در آینده چه می‌شود. هویتی که از ابتدا حداقل در قرن هجدهم به وجود آوردند دانشگاه مثلاً کانت، هایدگر یا حتی اخیراً هابرماس آن دانشگاه مستقلی که مروج حقیقت جویی و آزادی است و می‌خواهد مسائل عینی بشریت را حل کند و عدالت و کاهش شکاف طبقاتی را برقرار کند و پی‌جویی حقیقت داشته باشد. می‌خواهم بگویم این در بحث‌های ما مورد غفلت قرار گرفته و بایستی برجسته شود؛ یعنی نقش رهبری دانشگاه در تعیین ارزش‌های بشریت و باورهای اصلی و ارزشمند بشریت را داشته باشد. دانشگاه آینده چیزی که خواهد بود، یک موجود کج کارکرد خواهد بود و دچار مفهومی شده که در محاصره اقتصاد و تکنولوژی و فناوری است. به نظر من تلاش ما پژوهشگران و کسانی که در این حوزه کار می‌کنند بایستی بازگرداندن دانشگاه به مسیر اصلی باشد یعنی به جای اینکه ما اسیر روند موجود شویم که البته دانشگاه خصلت بازار را به خود گرفته بگوییم چرا دانشگاه در خدمت بازار است. چرا علوم انسانی رو به ضعف می‌رود. چه باید بکنیم و برای بازگرداندن دانشگاه به مسیر اصلی خود چه کار می‌توانیم انجام دهیم.



بدین خاطر عرض من این است که اینجا نقش رهبران آموزش عالی و سیاست‌گذاران خیلی برجسته می‌شود که چگونه عمل کنند و نقش ما نیز اهمیت پیدا خواهد کرد. ما فکر می‌کردیم باید روحیه انتقادی داشته باشیم می‌توانیم منفعل باشیم و آن را بپذیریم. نمی‌شود دانشگاه از کانون اصلی خود دور باشد و بایستی یک جور تعادل و سهم مناسبی بین علوم انسانی و علمی که با کشف و ترویج حقیقت در ارتباطند و علوم کاربردی مثل علوم تکنولوژیک و فناوری که کاملاً به اقتصاد وابسته هستند می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین عرض اصلی من این است که ما باید یک راه جدید و یک رویکرد انتقادی باز کنیم و به جای اینکه بگوییم این می‌شود و آن خوب

است بگوییم که این چیزی که الان وجود دارد یک انحراف است مفهوم و ماهیت دانشگاه است و باید در جهت تغییر این روند تلاش کنیم. سپاسگزارم

دکتر رضا منیعی

به نظر من هم آن ویژگی نسل‌ها که آقای دکتر فراستخواه مطرح کردند که باید برای اینها برنامه‌های درسی تهیه شود مثلاً کم حوصله هستند و خیلی حوصله متن‌های بلند خواندن را ندارند بیشتر به متن‌های کوچک و ساندویچی گرایش دارند و ویژگی‌های دیگر که به آن اشاره شد مثلاً بخشی از اینها ناشی از فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های اجتماعی و اینترنت است. سوال این است که آیا این ویژگی که وجود دارد باید برنامه درسی متناسب با این ویژگی تهیه شود یا می‌شود برنامه‌های درسی را طوری تهیه کرد که به ریل و مسیر اصلی بازگردند مثلاً با خواندن متون طولانی‌تر با کتاب ارتباط بهتری برقرار کرد. آقایان دکتر روشن، توفیقی و جاهد نیز همین نکته را اشاره کردند که در واقع این نسل‌ها وجود دارد و برنامه درسی باید خود را با این نسل‌ها تنظیم کند. یا اینکه برنامه درسی باید برخی از این موارد را که این ویژگی‌های نسل‌های جدید که دچار آن شده‌اند را بتواند اصلاح و بازآفرینی کند.

دکتر زهرا رشیدی

با تشکر از موضوع بسیار مهم که در پنل مربوطه مطرح شد و تشکر ویژه از سخنرانی خانم دکتر حسینی عزیز و بحث آقای دکتر فراستخواه بسیار استفاده کردم از این جلسه پربار و نظرات مهمانان محترم با نگرش‌های بسیار متنوع و جالب. با توجه به محدودیت زمان ترجیح می‌دهم وقت را به مهمانان محترم اختصاص داده و نظر خود را به صورت پیام خدمت شما ارائه کنم. از نگاه بنده ما در آینده با یک اجتماع آموزشی که از آن اجتماع کاوشگر نام می‌برم روبرو هستیم. این اجتماع به طور رسمی از گروهی از افراد که به واسطه اهداف و علایق علمی باهم مرتبطاند و به طور مشارکتی به سمت اهداف و نتایج یادگیری مورد نظر کار می‌کنند. اجتماع اکتشافی مدل جدیدی می‌تواند باشد از سه عنصر اصلی حضور اجتماعی، حضور شناختی و حضور تدریس. وابستگی این عناصر در طول و عرض هم بیان می‌شوند. در ارتباط با حضور تدریس تنظیم برنامه درسی مطرح است. با توجه به پیدایش و شیوع ویروس کرونا که نهاد آموزش از اساسی‌ترین کانون‌های دگرگون شده جهان در دوران اپیدمی ویروس کرونا به شمار می‌رود. این دگرگونی‌های حاصل از شیوع ویروس کرونا و تغییرات آن در برنامه‌های درسی رسمی و غیررسمی ملاحظه کرد. پیامد این بحرانها برنامه درسی پیش‌بینی نشده است که روی این برنامه بایستی کار شود و به تبیین و واکاوی مصادیق و وجوه چالش برانگیز آن پرداخت.

دکتر مقصود فراستخواه

اجازه بدهید اینطور بگوییم درد ما دانشگاه و دوا هم دانشگاه. هرکس گوشه ای از داستان را گفت و سپاس. آقای دکتر روشن فرمودند که از دانشگاه انتظار نمی‌رود فقط شغل ایجاد نکند بلکه باید به فکر آینده دنیا باشد و نقد کند، تفکر ایجاد کند و معرفت‌ها و پرسش‌های تازه ایجاد کند. جناب دکتر جاهد عزیز نکته مهم دیگر بقیه. پس آینده برنامه درسی دانشگاه باید خود سامان‌دهنده و خود نقاد باشد شما دیدید استادی که سال‌ها برنامه درسی را اجرا و ارائه کرده و درس داده و شاگرد تربیت کرده است امروز خودش را نقد می‌کند. البته خود ایشان و همه اساتید می‌دانند انواع علل و عوامل به ویژه سیاست‌ها، ساختار دولت، ساختار سیاستگذار، تمرکز سیستم آموزش عالی، از بین رفتن استقلال دانشگاه، عوامل مختلف این مشکل بودند، اختیاراتی در دانشگاه نبود که بیشتر خودش را با جامعه ارتباط دهد. این به معنای رفع مسئولیت از دانشگاه و دانشگاهیان نیست دیدید که آقای دکتر زرافشانی یک استاد دانشگاه هستند که چقدر

صادقانه نقد کردند. دانشگاهیان خودشان، خودشان را نقد می‌کنند و برنامه درسی؛ خود نقاد، برنامه درسی پویا و برنامه درسی که منعطف می‌باشد و خودش را نقد می‌کند و ساختار خودش را نقد می‌کند. دکتر اسماعیلی مطالبی راجع به بتن گفتند. ایشان هم خودشان را نقد کردند؛ این بتنی که من درس می‌دهم مثلاً چرا این همه آب مجازی در این بتن است، آیا ما نباید تکنولوژی داشته باشیم که به پایداری و به تحولات اقلیمی حساس باشد. این در واقع روح نقاد برنامه درسی و دانشگاه می‌باشد که خودش، برنامه‌های خودش، دانش و عملکرد خودش را نقد می‌کند در نتیجه بخشی از این تحولات اتفاقاً ز درون هوشمندی‌های انتقادی و مسؤولانه خود دانشگاهیان، دانشجویان، استادان و مدیران دانشگاهی در متن عمل و در سازگاری خلاق با تحولات جامعه در می‌آید دکتر توفیقی استاد شیمی این کشورند و برنامه درسی موجود را خود ایشان نقد کردند و توضیح دادند لازم است سازگاری خلاق با دنیا باشد. یعنی هم این تغییرات را بفهمند و تعصب و تحجر نداشته باشند و سازگاری خلاق با این تغییرات داشته باشند و هم این تغییرات را تعالی ببخشند و در واقع یک تفکر انتقادی در مواجهه با مخاطرات تکنولوژی و فرسایش‌های اقلیمی و اجتماعی و اخلاقی و بقیه مسائل. ممنون از همه اعضای پنل و بدوود.

فایل‌های PDF گزارش پنل‌های میز آینده پژوهی در سایت موسسه

فهرست پنل‌ها برگزار شده میز آینده پژوهی آموزش عالی که از سایت میز با نشانی زیر به طور کامل قابل دریافت است.

https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc_lang=fa&slct_pg_id=695

محققان و منتقدان و متفکران لطفا با ملاحظات و نقدهای خود به بهبود عملکرد این میز و مباحث آن یاری کنند

لینک :

https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc_lang=fa&slct_pg_id=695

- پنل افتتاحیه میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران - مرداد ۱۳۹۳
- پنل دوم: ویژه برنامه ششم توسعه - شهریور ۱۳۹۳
- پنل سوم: سناریو نویسی و تنظیم راهبردها - مهرماه ۱۳۹۳
- پنل چهارم: آینده بین المللی شدن آموزش عالی در جهان - آبان ۱۳۹۳
- پنل پنجم: جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یاددهی - یادگیری - آذر ۱۳۹۳
- پنل ششم: آینده منابع مالی آموزش عالی - بهمن ۱۳۹۳
- پنل هفتم: آینده گسترش آموزش عالی در ایران - بهمن ۱۳۹۳
- پنل هشتم: آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران - خرداد ۱۳۹۴
- پنل نهم: سناریوها و راهبردهای آینده آموزش عالی - شهریورماه ۱۳۹۴
- پنل دهم: جذب دانشجو در آموزش عالی غیرانتفاعی - آبان ۱۳۹۴
- پنل یازدهم: تأملی درباره شاخص‌های کمی و کیفی روند علم در ایران؛ برای درکی بهتر از آینده آن بهمن ۱۳۹۴
- پنل دوازدهم: ضرورت تمرکززدایی و آینده حکمروایی خوب در آموزش عالی با تأکید بر ظرفیت‌های خودتنظیمی مناطق در کشور و آمایش منطقه‌ای سرزمین - خرداد ۱۳۹۵
- پنل سیزدهم: شبکه منطقه‌ای دانشگاه‌ها در کشور، ضرورت تفویض اختیار ساختاری به مناطق دانشگاهی و ارتقای سطح خود تنظیمی مناطق و استقلال دانشگاهی - تیر ماه ۱۳۹۵
- پنل چهاردهم: آینده برنامه ملی ایران برای یادگیری مداوم - آذر ۱۳۹۵
- پنل پانزدهم: آینده‌اندیشی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو و پیامدهای آن - اسفند ۱۳۹۵
- پنل شانزدهم: آینده دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی ایران در رقابت‌های جهانی چه می‌شود 1396 -
- پنل هفدهم: محافظت از آینده علوم محض، پایه، بنیادی و الزامات سیاست‌گذاری آن - تابستان ۱۳۹۶
- پنل هیجدهم: آینده کلاس درس دانشگاهی ما - پاییز ۱۳۹۶
- پنل نوزدهم: بررسی وضع موجود و مطلوب و آینده‌اندیشی درباره وضعیت دوره‌های دکتری آموزش عالی - پاییز ۱۳۹۶

- پنل بیستم: آینده علوم و آموزش‌های ریاضی در ایران - پاییز ۱۳۹۶
- پنل بیست و یکم: نقش ملی دانشگاهها در شرایط پیش روی کشور (دانشگاه بودن در بحبوحه چالشها) - تیر ۹۷
- پنل بیست و دوم: آینده موسسات پژوهشی کشور با تاکید بر ارزیابی آنها؛ مفاهیم، روش‌ها و تجارب جهانی - مهر ۹۷
- پنل بیست و سوم: آینده تاثیر اجتماعی دانشگاه در ایران - آذر ۹۷
- پنل بیست و چهارم: آینده آموزش عالی فنی و حرفه‌ای با توجه به تحولات نوپدید در ایران و جهان - اردیبهشت ۹۸
- پنل بیست و پنجم: فضای مجازی و آینده آموزش عالی - شهریور ۹۸
- پنل بیست و ششم: مدیریت دانش و مستندسازی تجربه‌ها در دانشگاه آینده - مهرماه ۹۸
- پنل بیست و هفتم: آینده منابع مالی دانشگاه با تاکید بر ضرورت تنوع بخشی به منابع: مرور تجربه های دانشگاه کاشان- آذر ۹۸
- پنل بیست و هشتم: بررسی سناریوهای عبور دانشگاه ایرانی از شرایط کرونایی - تحریمی - مردادماه ۱۳۹۹
- پنل بیست و نهم: بررسی آینده دانشگاهها در برنامه هفتم توسعه (بخش اول) - مردادماه ۱۳۹۹
- پنل سی‌ام: پیشران‌ها و بازدارنده‌های آتی دانشگاه در دهه ۱۴۰۰: آینده اندیشی برای دوره برنامه هفتم (بخش دوم) - شهریورماه ۱۳۹۹
- پنل سی و یکم: رهبران آتی دانشگاه‌های ما: تأمل در فرایند انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی در ایران - آبان‌ماه ۱۳۹۹
- پنل سی و دوم: دانشگاه‌ها در آینده چطور برای خود برنامه‌ریزی می‌کنند و چطور اداره می‌شوند؟ - آذرماه ۱۳۹۹
- پنل سی و سوم: برنامه‌ریزی راهبردی در دانشگاه آینده با تأکید بر راهکارهای اجرایی - اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰
- پنل سی و چهارم: آینده زندگی دانشگاه ایرانی در دنیای برخط و دیجیتال: با تاکید بر کیفیت دروندادها، فرایندها و نتایج - مردادماه ۱۴۰۰
- پنل سی و پنجم: آینده برنامه درسی در دانشگاه ایرانی: افق ۱۴۲۰-۱۴۰۰، شهریورماه ۱۴۰۰